Comparative Studies on Islamic and Western Law
Print ISSN : 2476 - 4213 Online ISSN : 2476 - 4221
Homepage : https://csiw.qom.ac.ir

# Comparative Study of Approaches to Protecting Citizens' Financial Privacy (from the Perspective of Economic Analysis of Law)

**Marziyeh Zookinejad**

Department of Law, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran, Email: zookinejad@ut.ac.ir

## Abstract

Today personal privacy preservation in information exchange is essential for any transaction across all markets, especially in financial markets. Financial privacy is defined as the claim of individuals, groups, or institutions to determine the time, quality, and the extent of personal financial information sharing with others. In this research, financial privacy protection approaches including self- regulation, technological and legal approaches were investigated from the perspective of economic analysis of rights by using descriptive-analytical method. The comparative analysis showed that if the goal is to protect the right to financial privacy, definitely self-regulation and technological approaches will not work to protect financial privacy; but if the goal is to increase the total welfare through the balance of business needs to share financial data and the desire of individuals to protect it, there are several reasons that can tip the balance toward a legal approach that provides greater privacy protection, including the sensitivity of financial data and society's expectation of precise legal protections, as well as the greater efficiency of legislation where individuals in society bargain to achieve adequate preserving of their financial privacy. Despite having the utilitarian approach in the field of privacy, the law of the United States of America has established several independent laws in the field of privacy to achieve this balance. There is no specific law dedicated to the issue of financial information privacy in Iranian law; but there are laws from which the principle of protecting financial privacy can be deduced. Therefore, the financial privacy protection rule and the exceptions to it should be under a lawful system.

**Keywords:** Financial Privacy, Protecting approaches, Economic analysis, Legislation, The United States of America.

**Received:** 2023/08/24 ; **Revised:** 2024/03/24 ; **Accepted:** 2024/07/21 ; **Published online:** 2025/06/22

**How To Cite:** Zookinejad, Marziyeh (2025). Comparative Study of Approaches to Protecting Citizens' Financial Privacy (from the Perspective of Economic Analysis of Law), *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 12(2), 141-176. https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.9774.2445

**Published by:** University of Qom  **Article type:** Research

پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب
شاپا الکترونیکی: ۲۴۷۶-۴۲۲۱ شاپا چاپی: ۲۴۷۶-۴۲۱۳
Homepage : https://csiw.qom.ac.ir

# بررسی تطبیقی رویکردهای حمایت از حریم مالی شهروندان (از منظر تحلیل اقتصادی حقوق)

**مرضیه زوکی‌نژاد**

گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران، رایانامه: zookinejad@ut.ac.ir

## چکیده

امروزه تبادل اطلاعات با حفظ حریم خصوصی، لازمه کلیه مبادلات در تمامی بازارها خصوصاً بازارهای مالی محسوب می‌شود. حریم خصوصی اطلاعات مالی، به حق اشخاص، گروه‌ها یا مؤسسات برای تعیین زمان، چگونگی و حدود به اشتراک‌گذاری اطلاعات مالی شخصی با دیگران تعریف‌شده است. در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی، رویکردهای حمایتی از حریم مالی شامل رویکرد فناورانه، خودتنظیمی و قانونی از منظر تحلیل اقتصادی حقوق بررسی گردید. بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهد که اگر هدف، حفاظت از حق حریم مالی است، قطعاً رویکردهای خودتنظیمی و فناورانه برای حفاظت از حریم مالی کارایی نخواهد داشت؛ ولی اگر هدف افزایش رفاه کل از طریق توازن نیازهای تجاری برای به اشتراک‌گذاری داده مالی و تمایل اشخاص به حفاظت از آن باشد، دلایلی چند ازجمله حساس بودن داده‌های مالی و انتظار جامعه از حمایت‌های قانونی دقیق‌تر و همچنین کارایی بیشتر وضع قانون درجایی که افراد جامعه برای رسیدن به حفاظتی مناسب چانه‌زنی می‌کنند، می‌تواند تعادل را به سمت رویکرد قانونی که حفاظت بیشتری فراهم می‌کند، سوق دهد. حقوق ایالات‌متحده باوجود رویکرد فایده‌گرایانه در زمینه حریم خصوصی، برای رسیدن به این تعادل درزمینهٔ حریم مالی، قوانین متعددی وضع کرده است. در حقوق ایران، قانون خاصی که اختصاص به حریم مالی داشته باشد، وجود ندارد؛ ولی قوانینی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها اصل حمایت از حریم مالی را استنباط نمود. لذا می‌بایست قاعده حفاظت از حریم مالی و موارد استثنا از آن تحت نظامی قانونمند قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** حریم مالی، رویکردهای حمایتی، تحلیل اقتصادی، قانون‌گذاری، ایالات‌متحده آمریکا.

---

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۲/۰۶/۰۲ ؛ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۳/۰۱/۰۵ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ ؛ **تاریخ انتشار برخط:** ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

**استناد به این مقاله:** زوکی‌نژاد، مرضیه (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی رویکردهای حمایت از حریم مالی شهروندان (از منظر تحلیل اقتصادی حقوق)، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۲(۲)، ۱۴۱-۱۷۶. https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.9774.2445

**ناشر:** دانشگاه قم  **نوع مقاله:** پژوهشی

## مقدمه

امروزه بسیاری از افراد جامعه مشغول فعالیت‌های مالی چون پس‌انداز، سپرده‌گذاری، پرداخت‌ها، تسویه‌حساب‌ها، سرمایه‌گذاری در سهام و اعتبار از طریق بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی هستند که در طی آن اطلاعات خصوصی افراد مثل هویت، اعتبارات و تراکنش‌ها در بانک‌ها و مؤسسات مالی ثبت می‌شود. (Kirkbride, Jianping, and Zhongwei, 2009: 226)

در سال‌های اخیر، تحولات در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی سبب شده است علاوه‌بر دولت که برای تأمین منافع عمومی و به‌موجب برخی قوانین حق دسترسی به اطلاعات مالی افراد را دارد، افراد عادی جامعه و صاحبان برخی مشاغل نیز تمایل به استفاده از وسایل پیشرفته جهت جمع‌آوری، نگهداری و پردازش اطلاعات مالی افراد داشته باشند. لذا مفهوم و گستره حریم خصوصی به‌طور مداوم و با توسعه جامعه و اقتصاد در حال تغییر است؛ به‌طوری‌که اطلاعات خصوصی موجود در فعالیت‌های مالی بخش مهمی از حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود.

در ایالات‌متحده آمریکا، رویکردهای متفاوتی در حمایت از حریم مالی افراد وجود دارد. یکی از این رویکردها، رویکرد قانونی است؛ یعنی «حمایت از حریم خصوصی با وضع قوانین.» در این کشور، علی‌رغم نداشتن یک قانون جامع حریم خصوصی، به دلیل وجود نیاز درزمینه حفاظت از حریم مالی افراد، قوانینی در این حوزه وضع شده است. البته حتی در بخش مالی نیز مقررات جامعی که بر کلیه بخش‌های مالی حاکم باشد وجود ندارد. برخی از مقررات حریم مالی، به رابطه بین فرد و دولت مربوط می‌شود که برای دولت و نهادهای دولتی تعهداتی در جهت حفظ حریم خصوصی مالی اشخاص مقرر گردیده است و برخی قوانین نیز ناظر به روابط بخش خصوصی است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حریم خصوصی به‌عنوان یک حق اساسی همگانی که متعلق به عموم شهروندان باشد، ذکری به میان نیامده است؛ لیکن در اصولی چند که می‌توان به‌عنوان مبانی شناسایی حق حریم مالی شهروندان از آن یاد کرد، به آن اشاره شده است. لذا با این رویکرد در مقاله پیش رو سعی بر آن است تا با شناسایی مبانی حق موردبحث در اصول و قواعد خصوصاً در قانون اساسی و سایر قوانین عادی، بتوان گامی در مسیر تعریف، توسعه و گسترش جایگاه این تئوری در نظام حقوقی برداشت.

در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی در نظام حقوقی ایران و آمریکا، ابتدا به بررسی تعاریف ضروری اطلاعات مالی و حریم مالی می‌پردازیم و در ادامه از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، رویکردهای حمایتی از حریم مالی را در نظام حقوقی آمریکا مورد بحث و نقد قرار داده و از بین رویکردهای موجود، رویکردی که مناسب اطلاعات مالی است را برگزیده و سپس به بررسی و سیر تحول قوانین مربوطه در حوزه حریم مالی در این نظام می‌پردازیم. با کاوشی در حقوق ایران نیز مبانی شناسایی

این حق را در قوانین عام و قوانین خاصی مورد بررسی قرار داده و درنهایت، نتیجه و دستاورد این تطبیق و پژوهش را در جهت اصلاح نظام حقوقی ایران بیان می‌داریم.

## ۱. تعاریف

در این قسمت ابتدا به تعریف حق حریم (خصوصی) مالی و سپس به تعریف اطلاعات مالی می‌پردازیم.

### ۱-۱. تعریف حق حریم مالی

تبادل اطلاعات نخستین گام در هر تراکنش مالی بوده که بدون آن هیچ مبادله‌ای رخ نخواهد داد؛ لذا در اختیار گذاردن داده‌های شخصی، پیش‌شرط برای انعقاد هر قراردادی است. ولی سؤال این است که این افشای اطلاعات تا چه مقدار بوده و موانع حقوقی و طبیعی آن چیست؟ (Jentzsch, 2007: 1) یکی از موانع حقوقی در اختیار گذاردن اطلاعات، حفظ حریم خصوصی افراد است. حریم خصوصی تعریف مشخصی ندارد و مفهومی سیال است. (انصاری، ۱۳۹۱: ۱) یک ویژگی تقریباً رایج در هر تجزیه‌وتحلیلی از حریم خصوصی این است که موضوع با تذکر در خصوص مشقت اساسی و شاید غیرممکن بودن ارائه تعریف دقیق از حریم خصوصی آغاز می‌شود. (Bennett and Raab, 2006: 6) با توجه به هدف این مقاله و وجود دشواری‌ها در بیان تعاریف، تعریفی که از حریم خصوصی ارائه می‌شود عبارت است از: «مطالبه فرد برای تعیین اطلاعاتی که از وی برای دیگران فاش می‌شود.» (Westinm, 2003: 431) هنگامی‌که ادعاهای حریم خصوصی ازلحاظ اجتماعی یا حقوقی به رسمیت شناخته شود، در این حالت به حق تبدیل می‌شوند. (Westin, 1968: 431) در این صورت به‌استثنای مواقعی که منافع جامعه مطرح باشد، حق فرد این است که تصمیم می‌گیرد چه موقع و بر اساس چه شرایطی، اطلاعاتش افشاء گردد. (Westin, 2003: 42)

حق حریم خصوصی همیشه رابطه نزدیکی با فناوری داشته است. وارن و برانديس چارچوب حق حریم خصوصی را در پاسخ به نتایج فناوری عکاسی و استفاده از آن‌ها توسط مطبوعات برای «حوزه زندگی شخصی و خانوادگی» مطرح کردند. (Warren and Brandeis, 1890: 195)

حریم خصوصی به حریم خصوصی مکانی، حریم خصوصی جسمانی،[1] حریم خصوصی ارتباطات و حریم خصوصی اطلاعات تقسیم‌بندی می‌شود. (قنواتی و جاور، ۱۳۹۹: ۱۵۳) مرکزیت اصلی مفهوم حریم خصوصی به فضای خانه و دیگر فضاهای خصوصی بسته، مربوط می‌شود؛ ولی به علت افزایش انواع فناوری‌های ذخیره و پردازش اطلاعات در اواخر دهه ۱۹۶۰، تمرکز حریم خصوصی به اطلاعات

---

۱. در پیشنهاد آیرس و فانک در خصوص وضع غرامت در خصوصی بازاریابی تلفنی، می‌توان به این نوع از حریم خصوصی تحت عنوان حریم خصوصی جسمانی اشاره کرد. (رجوع شود به Ayres and Funk, 2003: 77)

شخصی سوق پیداکرده است. (Van Dijk, 2010: 63)

حریم خصوصی اطلاعات مربوط به حفاظت از اطلاعات شخصی و خصوصی اشخاص است. منظور از اطلاعات شخصی، اطلاعاتی است که به یک فرد مربوط می‌شود و از طریق آن می‌توان وضعیت آن فرد را شناسایی کرد، نظیر اطلاعات مربوط به وضعیت خانوادگی، جسمی، روحی، مالی و اقتصادی، قومی، مذهبی و فرهنگی(انصاری، ۱۳۸۷: ۲۵۹). منظور از اطلاعات خصوصی، لزوماً اطلاعات سری و دارای ماهیت محرمانه نیست؛ بلکه هرگونه اطلاعات مربوط به اشخاص ازجمله اطلاعات مربوط به علایق و سلایق، اطلاعات مربوط به منابع مالی و درآمد، نیازهای شخصی، اعتقادات، خصوصیات فردی، وابستگی‌های قومی و نژادی و هویت فرهنگی را شامل می‌شود. (نوری و نخجوانی، ۱۳۸۳: ۳۳) به عبارتی کلی‌تر، حریم خصوصی اطلاعات، عبارت از امور و مسائلی است که انسان تلاش می‌کند فاش نشوند و سعی می‌کند آن را حفظ کند و با پوششی از حمایت آن را احاطه کند. (اهوانی، ۱۹۷۸: ۴۶/ قائد، ۱۹۹۴: ۹/ گه ردی، ۲۰۱۱: ۳۱۰) درواقع حریم خصوصی اطلاعات، به استفاده، انتقال و پردازش داده‌های شخصی تولیدشده در زندگی روزمره مربوط می‌شود.

یکی از اقسام اطلاعات مهمی که تحت حریم خصوصی اطلاعات قرار می‌گیرد، اطلاعات مالی است. طبق تعریفی که بیان شد، حریم خصوصی اطلاعات مالی یا به بیانی خلاصه‌تر حریم مالی به‌عنوان حق فرد در تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه اطلاعات مالی خود را برای دیگران افشا نماید، تعریف می‌شود. حریم خصوصی و به‌ویژه حریم خصوصی اطلاعات مالی، مفاهیمی نسبی[1] هستند.[2] برای روشن شدن قلمرو حریم خصوصی مالی، به تعریف اطلاعات مالی می‌پردازیم.

### ۱-۲. تعریف اطلاعات مالی

اطلاعات مالی باآنکه عنوان روشنی دارد؛ اما مفهوم روشنی ندارد. طبق ماده ۱۶ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می‌توان تعریفی دیگر از اطلاعات مالی را ارائه نمود. این ماده مقرر می‌دارد: «درصورتی‌که برای مؤسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی محرز باشد که در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا متضمن خسارت مالی یا تجاری برای آن‌ها باشد، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع کنند.»

بر اساس این ماده، دیگر تفکیکی میان اطلاعات مالی و غیرمالی وجود ندارد و معیار تشخیص

---

۱. نسبیت حریم خصوصی دارای ویژگی‌های زیر است: ۱) ذهنی و شخصی بودن ۲) متغیر بودن در فرهنگ‌های مختلف ۳) دارای تحول تاریخی بودن که از نسلی به نسل دیگر متفاوت است.

۲. حق حریم مالی همانند سایر حقوق، یک حق مطلق نیست. به‌عنوان‌مثال قائل شدن حق مطلق برای حریم خصوصی، هرگونه نظام مالیاتی جدید و همه پیامدهای وابسته به آن برای مقررات کالاهای عمومی را ناممکن می‌سازد.

اطلاعات مالی، تنها نوع زیانی است که در اثر سوءاستفاده از اطلاعات پدید می‌آید. به‌عنوان نمونه هرچند اطلاعات مربوط به عزل شدن هیئت‌مدیره یک شرکت، خبر غیرمالی است؛ اما درصورتی‌که انتشار یا افشای آن زیان مالی یا تجاری به شرکت وارد سازد، این خبر نیز در زمره اطلاعات مالی و تجاری قرار می‌گیرد. (Sharman, 2009: 719) لذا می‌توان گفت اطلاعات مالی، اطلاعاتی هستند که هرگونه سوءاستفاده از آن‌ها منجر به ورود خسارت مالی یا تجاری به اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌شود. به این احتمال از چند جهت خدشه وارد است:

نخست این‌که ضابطه ارائه‌شده مبهم است. قانون‌گذار به‌درستی تعیین ننموده که آیا ضرر لزوماً باید در عالم خارج محقق شود یا این‌که احتمال ورود ضرر مالی و تجاری نیز در اثر افشا کفایت می‌کند؟ به‌عبارت‌دیگر آیا ضرر باید مسلم، موجود و قطعی باشد یا ضرر بالقوه نیز ذیل شمول این ماده قرار می‌گیرد؟ ثمره پاسخ به این پرسش این است که اگر ضرر بالقوه را در حوزه اقتصادی ضرر به‌حساب آوریم، قلمرو شمول اطلاعات مالی گسترده می‌شود؛ و اگرنه، قلمرو این اطلاعات مضیق و محدود می‌شود. ایراد دیگر این است که میزان ورود ضرر مالی و تجاری مشخص نیست؛ به‌عبارت‌دیگر در این ماده اشاره نشده که اگر در اثر افشای اطلاعات صرفاً خسارت مالی و تجاری اندکی پدید آید، آیا این اطلاعات نیز مالی محسوب می‌شوند یا خسارت باید کلی و هنگفت باشد؟ در همین رابطه قانون‌گذار حتی ضابطه تقویم میزان خسارت را نیز تعیین ننموده است و به‌طور ضمنی آن را به مراجع قضایی واگذار کرده که این امر باعث می‌شود این مراجع حتی شایعات و احتمالات را نیز اطلاعات مالی قلمداد کنند و قلمرو شمول این اطلاعات را توسعه بخشند؛ کما این‌که مقنن در تعریف شایعه در بند ۷ ماده ۱ دستورالعمل افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان مصوب ۱۳۸۶ نیز قائل به همین نظر بوده است. در این ماده گونه آمده: «شایعه اخباری حاکی از وجود اطلاعات مهمی است که به‌طور غیررسمی منتشرشده و توسط ناشر تأیید و تأکید نشده است و احتمال می‌رود بر قیمت اوراق بهادار ناشر، تأثیر بااهمیت داشته باشد.»

ایراد دیگر این‌که قانون‌گذار در این ماده اساساً به خسارت معنوی توجهی ننموده درحالی‌که برخی اوقات بسیاری از خسارت‌های معنوی نیز جنبه مادی دارند و حتی شدیدتر از آن‌ها هستند. به‌عنوان نمونه لطمه به شهرت تجاری یک شرکت در صورت افشای اطلاعات، مصداق خسارت معنوی است و به‌نوعی به سرمایه تجاری شرکت زیان وارد می‌کند که مورداشاره قرار نگرفته است. درنهایت این‌که مفهوم خسارت مالی نیز روشن نیست. به‌عبارت‌دیگر آیا مراد از آن، صرفاً سودهایی است که فرد در اثر استفاده از اطلاعات تحصیل نموده یا زیان‌هایی که فرد از خود دفع نموده نیز شامل می‌شود؟ با این ایرادات به نظر می‌رسد این احتمال از توصیف اطلاعات مالی و تعیین قلمرو آن‌ها عاجز است.

قانون‌گذار باید به‌جای این معیار در این ماده، به کارکرد اطلاعات توجه می‌نمود و لااقل هرگونه

اطلاعاتی که دارای کارکرد اقتصادی، بازرگانی و تجاری باشد را مالی قلمداد می‌کرد نه این‌که تنها به تعبیر مبهم زیان مالی در معنی مطلق کلمه بسنده کند. (سلیمان‌دهکردی و میرسعیدی، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۵۷) لـذا بهتر است اطلاعـات مـالی را هرگونـه اطلاعـاتی دانسـت کـه دارای کـارکرد مـالی، تجـاری و اقتصـادی باشد. (سلیمان‌دهکردی و میرسعیدی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

## ۲. تحلیل اقتصادی رویکردهای حمایتی از حریم مالی

مطالعات اقتصاددانان نشانگر این واقعیت است که وجود یک نظام حقوقی کارآمد می‌تواند بـرای توسـعه و پیشرفت اقتصادی بسیار مؤثر باشد. (یداله دادگر، ۱۳۸۹: ۱۳) سـه رویکـرد عمـده در حفاظـت از حـریم مالی، رویکرد فناورانه، خودتنظیمی و رویکرد قانونی اسـت. انتخـاب بـین خـودتنظیمی و قـوانین دولتـی، سؤالی پیچیده است که پاسخ آن در شرایط مختلف، متفاوت است. در این قسـمت، بـه بررسـی ایـن سـه رویکرد از منظر تحلیل اقتصادی حقوق پرداخته و درنهایت رویکـردی کـه مناسـب حـریم مـالی اسـت را برمی‌گزینیم.

### ۲-۱. رویکرد فناورانه

فناوری‌های اطلاعات می‌توانند برای ردیابی، تجزیه‌وتحلیل و اتصال حجم انبـوهی از داده مربـوط بـه فـرد استفاده شوند. بااین‌وجود، فناوری‌های اطلاعات همچنین می‌توانند بـرای حفاظـت، ناشـناس کـردن و یـا تجمیع داده‌ها به طرقی که هم قابل‌اجرا[۱] و هم کارآمد[۲] باشند، استفاده گردند.

یک روش فنّاورانه برای تأثیرگذاری بر حفاظت داده شخصی، اسـتفاده از فنّاوری‌هـای افـزایش حـریم خصوصی[۳] یا ابزارهای مدیریت هویت[۴] است. فنّاوری‌هـای افـزایش حـریم خصوصـی، بـه ایـن صـورت تعریف شده‌اند:

نظام پیوسته‌ای از اقدامات فنّاوری ارتباطات و اطلاعات[۵]، با حـذف یـا کـاهش داده شخصـی و یـا بـا جلوگیری از پردازش غیرضروری و یا نامطلوب داده، از حریم خصوصی حفاظت می‌کنند. فنّاوری‌ها یـک معماری دیجیتالی فراهم می‌کنند که وقتی از طریـق محیط‌هـای دیجیتـالی مختلـف اجـرا شـوند، امکـان یکپارچه‌سازی و اجراشدن مستقیم گزینه‌های حریم خصوصی را برای کاربران فراهم می‌کنند.

تحقیقات گسترده پیرامون فناوری‌های افزایش حریم خصوصـی، نشـان می‌دهـد کـه ایـن فناوری‌هـا،

---

۱. به این معنا که شناسایی دوباره اطلاعات فرد یا غیرممکن و یا آن‌قدر هزینه‌بردار است که سودی در بر نخواهد داشت.

۲. به این معنا که معامله موردنظر می‌تواند بدون هیچ هزینه اضافی برای طرفین، صورت گیرد.

3. Privacy Enhancing Technology (PET)

4. Identity Management Tools (IMT)

5. Information and communications technology (ICT)

می‌توانند برای تأمین هم ضرورت‌های به اشتراک‌گذاری داده و هم حفظ حریم خصوصی داده مورداستفاده قرار گیرند.

نه‌تنها هم‌اکنون انجام تراکنش‌های واقعی و هنوز ناشناس و یا حریم خصوصی افزایش‌یافته در حوزه‌هایی نظیر پرداخت‌های الکترونیک، ارتباطات آنلاین، جست‌وجوی اینترنتی و یا رأی‌گیری الکترونیک میسر است؛ بلکه همچنین وجود سامانه‌های تصدیق بدون تعیین هویت، انتشار اطلاعات شخصی با حفظ حریم خصوصی، انجام محاسبات در فضاهای رمزگذاری شده، متضمن گشایش شیوه‌های جدید حریم خصوصی با حفظ تجزیه‌وتحلیل و جمع‌آوری داده است. فناوری‌های افزایش حریم خصوصی ممکن است موازنه اقتصادی جدیدی را میسر سازد که در آن نگه‌دارندگان داده کماکان بتوانند داده ناشناس و تجمیع شده را تجزیه‌وتحلیل کنند، درحالی‌که اطلاعات شخصی اشخاص، حفاظت‌شده باقی بماند. مسلماً، این موازنه جدید، می‌تواند افزایش‌دهنده رفاه باشد.

بااین‌وجود، چالش این است که فناوری‌های افزایش حریم خصوصی اندکی، موردپذیرش گسترده قرارگرفته‌اند. بسیاری از شرکت‌ها بر پایه آن‌ها در بازار ناموفق بوده‌اند.[1] دلایل بی‌شماری ممکن است این عدم موفقیت را توجیه کند:

از جانب مصرف‌کنندگان، دشواری‌ها و هزینه‌های کاربران در استفاده از فناوری‌های حریم خصوصی، هزینه‌های تغییر و تحول و همچنین گرایش‌هایی نظیر رضایت فوری که موجب کاهش تقاضا برای آن محصولات حتی به‌وسیله مصرف‌کنندگان حساس حریم خصوصی می‌گردد. از جانب نگه‌دارندگان داده، در نبود مداخله سیاست و یا دلیل شفافی مبنی بر این‌که حفاظت حریم خصوصی به‌عنوان یک مزیت رقابتی متمایز عمل می‌کند، این‌که شرکت‌ها هزینه‌های گذار به فناوری‌هایی را که ممکن است، در کوتاه‌مدت، دسترسی‌شان را به داده مصرف‌کننده نسبت به رقبای خود محدود کند متحمل شوند، غیرمحتمل است.

لذا بااینکه درزمینهٔ حریم خصوصی، امید این بود که اقدامات فنّاورانه از اطلاعات افراد، بدون احتیاج به حفاظت‌های قانونی، حفاظت کند، ولی به دلایل فوق این امر در داده‌های مالی محقق نشد. شاید رمزگذاری یا سایر اقدامات فنی، بدین معنا خواهد بود که تنها افرادی که داده را می‌بینند، کسانی هستند که افراد انتخاب می‌کنند. بااین‌وجود؛ یک رویکرد فنّاورانه محض برای اکثر داده شخصی مالی، کار آیی خوبی ندارد.[2] مثلاً وام‌دهندگان قبل از اعتماد به یک قرض گیرنده برای وام، پافشاری به دانستن داده مالی قابل‌توجهی دارند؛ بنابراین باید انتظار داشت که مؤسسات مالی، به جمع‌آوری اطلاعات قابل‌توجهی

1. See Brunk, 2002
2. Peter P. Swire, The Uses and Limits of Financial Cryptography: A Law Professor's Perspective, available at: http://acs.ohio-state.edu/units/law/swire.pscrypto.htm.

درباره مشتریانشان ادامه می‌دهند و چالش حریم خصوصی بر سر این خواهد بود که چه کسی و تحت چه شرایطی حق دسترسی به اطلاعات را دارد.

### ۲-۲. رویکرد خودتنظیمی

بنابر تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، خودتنظیمی[1] فرایندی است که در آن یک گروه سازمان‌یافته، رفتار اعضای خود را تنظیم می‌کنند. (زارعی و شکوهیان، ۱۳۹۵: ۱۶۲) تحت چهارچوب خودتنظیمی، هدف سیاست‌گذاران، حفاظت از خود حریم خصوصی نیست؛ بلکه هدف، برقراری تعادل بین حفاظت از اطلاعات و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در جهت افزایش رفاه کل[2] است. بنابراین تحت این چهارچوب، از بازارها انتظار می‌رود که خود را از طریق ترکیبی از خودتنظیمی صنعت، مسئولیت مصرف‌کنندگان و راه‌کارهای فناورانه اصلاح کنند. قانون‌گذار می‌تواند بازار را از طریق ترکیبی از انگیزه‌ها[3]، سیاست‌های افشاء[4] و هنگامی‌که همه موارد دیگر شکست می‌خورد، از طریق ایجاد مسئولیت، هدایت کند. (Acquisti, 2010: 32-33) پاسخ قانون‌گذاران ایالات‌متحده به چالش‌های حریم خصوصی ایجادشده به‌وسیله فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات، با الهام از بازار آزاد ایده‌ها[5] و بر پایه خودتنظیمی و استانداردهای «هدفمند»[6] در خصوص برخی از انواع داده مثل اجاره‌های فیلم[7] و داده بانکی، سودمندگرایانه بوده است. رویکرد فایده‌گرایانه قانون‌گذار ایالات‌متحده کارایی و سازگاری آن است. هزینه‌ها و ریسک‌های چنین نظامی، عبارت است از افزایش کدها،[8] رویکردها و تفاسیر که ممکن است مصرف‌کننده را در حفاظت از حوزه شخصی‌اش ناتوان کند و یا برای خطاها و نقض‌های حریم مورد جبران خسارت واقع نگردد. بلوتی بیان می‌کند: «از این قابلیت تغییرپذیری این‌طور برمی‌آید که منجر به اطاله دادگاه و دادرسی برای تعیین این‌که آیا یک نقض حریم خصوصی، رخ داده است یا خیر، خواهد گردید.» (Bellotti, 1997: 67)

درحالی‌که صنعت خدمات مالی به‌طورکلی از اقدامات پرهزینه حمایت از حریم خصوصی جلوگیری کرده است، برخی شواهد وجود دارد که سیاست حریم خصوصی سخت‌تر می‌تواند برای

1. self-regulatory
2. aggregate welfare
3. incentives
4. disclosure policies
5. free marketplace of ideas
6. targeted"standards
7. movie rentals

۸. سازمان‌ها، شرکت‌ها و ارائه‌کنندگان خدمات، دستورالعمل و کدهای رفتاری تعریف‌شده‌ای برای رازداری حرفه‌ای و تعهد به عدم افشای اطلاعات مراجعه‌کنندگان و کاربران خود دارند که تا حد زیادی می‌تواند از افشای اسرار و اطلاعاتی که به حریم خصوصی افراد مرتبط است، پیشگیری نماید. (آقابابایی، ۱۳۹۶: ۱۸۸)

شرکت‌ها سودمند باشد، زیرا مصرف‌کنندگان برای حریم مالی‌شان ارزش قائل‌اند و حاضر به پرداخت هزینه آن می‌باشند. به همین دلیل، صنعت بانکداری در طول تاریخ پایبند به استانداردهای داوطلبانه محرمانه بودن بوده است. بااین‌حال، کدهای خودتنظیمی صنعت بانکی بسیار کلی هستند و اطمینانی درباره تأثیر این کدها در بهبود فعالیت، وجود ندارد و همچنین شواهدی دال بر عمل نکردن درست بانک‌ها به مقررات خودتنظیمی وجود دارد.[۱]

همچنین شرکت‌ها ممکن است انگیزه‌های زیادی به استفاده بیش‌ازحد از اطلاعات شخصی داشته باشند؛ لذا درجایی که مشتریان اطلاعات ناقصی درباره رویه‌های حریم خصوصی دارند، موارد سوءاستفاده را کشف نخواهند کرد و هزینه‌های مذاکره نیز برای سطح مطلوبی از حریم خصوصی ممکن است زیاد باشد. (Boyd, 2006: 945-46)

لذا به نظر می‌رسد، سازوکار خودتنظیمی بر پایه ابلاغیه و مدل‌های حق انتخاب، مؤثر نیست. در ایالات‌متحده، داده مصرف‌کننده به‌طور روزمره جمع‌آوری، پردازش و بدون رضایت و یا حتی آگاهی کاربر مورد معامله قرار می‌گیرد. سازوکار خودتنظیمی نظیر سیاست‌های حریم خصوصی و ابلاغیه‌ها شکست خورده‌اند: اکثریت قریب اتفاق مصرف‌کنندگان ایالات‌متحده معتقدند که سیاست‌های حریم خصوصی قابل‌فهم نیستند و نتیجتاً آن‌ها را مطالعه نمی‌کنند و حتی اگر مطالعه کنند، آن سیاست‌ها را نمی‌فهمند(Anton et al., 2004: 36-45) یا این تصور و تفسیر اشتباه را دارند که چنین سیاست‌هایی متضمن حفاظت بالفعل و غیررسمی از حریم خصوصی است. حتی ازدیاد قوانین ابلاغیه نقض داده در سطح ایالت، علی‌رغم موفقیت در هدف کاهش برخی خلأهای اطلاعاتی که مانع آگاهی مصرف‌کنندگان در خصوص داده‌شان می‌شد، در مواجهه با خصوصاً سرقت هویت مؤثر نبوده است.[۲]

### ۲-۳. رویکرد قانونی

در چهارچوب رویکرد قانونی[۳]، حفاظت از خود حریم خصوصی صرف‌نظر از پیامدهای اقتصادی آن، مطلوب است. تحت این چهارچوب، خود حریم خصوصی، هدف سیاست تصمیم‌گیرندگان اجتماعی است؛ بنابراین قوانین می‌توانند در حمایت از ارتقاء جایگاه و توسعه برخی از فناوری‌های افزایش حریم خصوصی، توقف گسترش موارد نقض حریم خصوصی و یا ایجاد مسئولیت‌هایی برای اجرای رفتارهای

---

۱. گزارشی از کمسیون تجارت فدرال در ۱۹۹۸ دریافت که فقط ۱۶ درصد بانک‌ها، سیاست‌ها یا ابلاغیه‌هایی در خصوص وب‌سایت‌های آنلاینشان داشته‌اند.

۲. با استفاده از اطلاعات سرقت هویت گزارش‌شده از کمیسیون تجارت فدرال برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۲، بعضی نویسندگان دریافتند که وضع قوانین افشاء، سرقت هویت را تا ۶ درصد کاهش داده است.

(See Romanosky, Telang, and Acquisti, 2011)

3. regulatory

مطلوب در بازار وضع شوند.

قوانین حفاظت از حریم خصوصی در جهان با دو رویکرد عمده تنظیم شده است:

اولین رویکرد، رویکرد جامع[1] است که داده شخصی را در برابر جمیع صنایع و غالب زمینه‌ها پوشش می‌دهد. اولین قانون جامع حریم خصوصی اطلاعات در جهان، یک قانون ایالتی بود. پارلمان ایالت هسن، این قانون را در ویسبادن آلمان در ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۷۰ به تصویب رسانید. این قانون، مشابه اکثر قوانین حفاظت داده اروپایی، یک قانون جامع است. (Solove and Schwartz, 2015a: 45)

رویکرد اتحادیه اروپا در حفاظت از حریم خصوصی، یک رویکرد قانونی جامع است. قانون‌گذار اروپایی حریم خصوصی را به‌عنوان یک حق اساسی بشری تعریف کرده است. پاسخ پارلمان اروپا به چالش‌های حریم خصوصی، متمرکز و نظام‌مندتر بوده است. پارلمان، حقوق کلی حریم خصوصی را ابتدا با دستورالعمل ۹۵/۴۶ اتحادیه اروپا وضع کرد. این دستورالعمل، افراد را مستحق دریافت ابلاغیه راجع‌به این‌که چه کسی داده را جمع‌آوری می‌کند و به آن دسترسی خواهد داشت و این‌که چرا داده جمع‌آوری می‌شود می‌داند. تحت این دستورالعمل، افراد حق دسترسی و عنداللزوم اصلاح اطلاعات خودشان را دارند. لازم به ذکر است که در حال حاضر، مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا[2]، جایگزین دستورالعمل مذکور شده است.

رویکرد اسلام در مورد حریم خصوصی اطلاعات، نیز یک رویکرد حمایتی جامع و فراگیر است که مبتنی بر مبانی چون افشای سر، ممنوعیت تجسس و تحسس، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان و هم‌چنین تصرف بدون اذن، ممنوعیت استراق سمع و بصر، ممنوعیت غیبت و ممنوعیت هتک ستر است. (جعفری و عابدینی، ۱۳۹۰: ۲۶) در سایر نظام‌های حقوقی دنیا نیز کثیری از قوانین حریم خصوصی اطلاعات وجود دارد که رویکرد غالب در آن‌ها رویکرد جامع است. (Solove and Schwartz, 2015b: 46)

دومین رویکرد، رویکرد بخشی[3] است که بر طبق آن، صنایع متفاوت، مقررات متفاوت دارند و برخی از زمینه‌ها به‌کلی تحت نظارت نیستند. به عبارتی، قوانین متفاوتی بر بخش‌های خصوصی و عمومی حاکم خواهند بود. ایالات‌متحده عموماً رویکرد بخشی را اتخاذ کرده است و برای هر بخش، مقررات حریم خصوصی متفاوتی را وضع نموده است. برای مثال، قانون حفاظت حریم خصوصی آنلاین کودکان، حفاظت از حریم خصوصی را برای کودکان در وب مقرر می‌دارد، اما قانونی مشابه که به‌طورکلی بر حریم خصوصی بزرگسالان در وب حکومت کند، وجود ندارد. (Solove and Schwartz, 2015b: 45)

در ایالات‌متحده آمریکا، قوانین حریم مالی، عموماً به دلیل نیاز به حفاظت در برابر سوءاستفاده‌های

1. omnibus
2. The General Data Protection Regulation (GDPR) (EU) 2016/679
3. Sectoral approach

خاص از اطلاعات شخصی، ریسکی که باید در برابر سود حاصل از بهره‌وری افزایش‌یافته از اشتراک اطلاعات متعادل شود، تصویب شده است. سنت حقوقی آمریکا یک بی‌میلی به تنظیم مقررات بخش خصوصی در فقدان یک نیاز اثبات‌شده دارد و به‌طورکلی نگرانی بیشتری در مورد دولت نسبت به تجاوز بخش خصوصی وجود دارد. (Wellbery, 2001: 4) «مقررات حریم خصوصی در ایالات‌متحده بر جلوگیری از استفاده‌هایی از اطلاعات که به مشتریان ضرر می‌رساند، متمرکز شده است.» (Cate, 2001:4)

برخی از ضررهای ناشی از به اشتراک‌گذاری اطلاعات در صنعت خدمات مالی عبارت از افزایش احتمال کلاهبرداری از طریق گردآوری اطلاعات، استفاده یا انتقال غیرمجاز اطلاعات،[1] حفظ اطلاعات مضر به‌طور نامحدود هستند. برخی منافع به اشتراک‌گذاری اطلاعات عبارت‌اند از: دستیابی سریع به اطلاعات اشخاص و کاهش تأخیرها و هزینه‌های اعتبار مصرف‌کننده، شناسایی و رفع نیاز مصرف‌کننده، افزایش رقابت در بازار، افزایش رفاه مشتری و افزایش سطح خدمات، هدف قرار دادن مشتریان علاقه‌مند به کالا و خدمات مربوطه، جلوگیری از کلاهبرداری (Boyd, 2006: 943). منافع رویکرد قانونی اعم از جامع و بخشی، اطمینان از این‌که چه نوع حفاظتی حاصل می‌شود، است. ریسک‌های چنین رویکردی نیز هزینه‌ها، قابلیت اجرا و انعطاف‌ناپذیری آن است.

### ۲-٤. نتیجه بحث

بحث پیرامون منافع رقابتی[2] رویکردهای حمایتی از حریم مالی، خصوصاً رویکرد قانونی و خودتنظیمی تا به امروز به قوت باقی مانده است. به نظر می‌رسد. اگر هدف طراحان اجتماعی در درجه نخست حفاظت از اطلاعات شخصی باشد، به دلایلی که در تحلیل اقتصادی رویکردها بیان شد، بدیهی است که رویکرد فناورانه و سازوکار خودتنظیمی بر پایه ابلاغیه و مدل‌های حق انتخاب، مؤثر نیست؛ ولی اگر هدف سیاست تصمیم‌گیرندگان اجتماعی، افزایش رفاه کل از طریق توازن نیازهای تجاری برای استخراج داده مصرف‌کننده و تمایل مصرف‌کننده برای حریم خصوصی باشد، مقایسه رویکردهای قانونی و خودتنظیمی دشوارتر است:

از یک‌سو، برخی نویسندگان این دیدگاه که استفاده بدون محدودیت در اطلاعات شخصی، همیشه به مصرف‌کننده سود می‌رساند و این‌که بده بستان‌های حریم خصوصی ممکن است صرفاً بر پایه هزینه‌ها و منافع پولی ارزیابی شود را به چالش می‌کشند.[3] یک بازار غیر نظام‌مند و متعرض به حریم خصوصی می‌تواند برای مصرف‌کنندگان هزینه‌بر باشد.

---

۱. ازجمله می‌توان به مواردی چون نظارت پنهانی بر عادات شخصی، پروفایلینگ، سرقت هویت، بازاریابی تلفنی، از دست دادن منافع بر اساس اطلاعات نادرست و غیره اشاره نمود.

2. Comparative advantages

3. See Gellman, 2002

از سوی دیگر برخی نویسندگان، مدعی هستند که طرح‌های قانونی که حجم اطلاعات شخصی در دسترس تجارت را محدود می‌کند، موجب تاوان دادن خود مصرف‌کنندگان خواهد گردید: مقررات صرفاً هنگامی می‌بایست اعمال گردد که یک بازار انعطاف‌پذیر داده به‌خوبی کار نمی‌کند.[1]

حل‌وفصل این بحث صرفاً با به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی غیرممکن به نظر می‌رسد. تئوری و بحث‌های اقتصادی، از هم این دیدگاه که حفاظت حریم خصوصی، کارایی اقتصادی را افزایش می‌دهد و هم این دیدگاه که حفاظت حریم خصوصی، کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهد، حمایت می‌کند. به‌طور تجربی، هزینه‌ها و فواید مربوط به حفاظت و افشاء داده مصرف‌کننده، به‌سادگی قابل‌جمع نیست:

اولاً، در ارزیابی کل اثر مقرره حریم خصوصی، با چالش تعیین حدود مشکل مواجه خواهیم شد: نقض‌های داده، سرقت هویت، نامه‌های الکترونیکی ناخواسته، پروفایلینگ و یا تبعیض قیمت همگی مثال‌هایی از مشکلات حریم خصوصی هستند، بااین‌حال آن‌ها دربردارنده منافع و هزینه‌های مورد انتظار بسیار متفاوت برای طرفین درگیر هستند.

ثانیاً، حتی در هر فرضی، سنجش دقیق مجموع هزینه‌ها و منافع داده حفاظت‌شده و به اشتراک گذاشته‌شده در یک نقطه و یک‌زمان، ممکن است دشوار باشد؛ چراکه هزینه‌ها و منافع حریم خصوصی در طول زمان رخ می‌دهند برای مثال، داده‌ای که امروز افشاء شده است ممکن است در آینده به فرد خسارت بزند.

ثالثاً، علاوه‌بر خروجی‌های قابل‌اندازه‌گیری نظیر خسارات مالی به دلیل سرقت هویت و یا هزینه‌های فرصت نامه‌های الکترونیکی ناخواسته، سایر تعدیات حریم خصوصی، مستلزم یک برآورد از ارزش حریم خصوصی نزد مصرف‌کنندگان است. ارزیابی‌ها در این خصوص ناپایدار است. (Acquisti, 2010: 35)

به نظر می‌رسد عوامل بسیاری در خدمات مالی، می‌تواند تعادل را به سمت رویکرد قانونی شکل دهد:

اولین عامل این است که سوابق مالی افراد، دربردارنده اطلاعات شخصی حساس هستند. به‌طورکلی رویکرد قانونی، برای داده‌های حساسی که به مصرف‌کننده مربوط می‌شود و صدمات احتمالی سوءاستفاده از آن، بیشتر است، مناسب‌تر خواهد بود. علت حساس بودن داده‌های مالی را می‌توان این امر دانست که امروزه اکثر تراکنش‌ها به‌وسیله کارت اعتباری و به‌صورت الکترونیکی انجام می‌شود. ازآنجایی‌که پرداخت‌های الکترونیکی، یک فرد خاص را به خرید خاص مرتبط می‌سازد، امکان ردیابی الگوهای مصرف و همچنین ردیابی جابجایی‌های فرد وجود دارد. (Sharman, 2009: 719)در سال‌های اخیر تحولات در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی سبب شده است که علاوه‌بر دولت، افراد عادی

1. See Cate et al, 2003

جامعه و صاحبان برخی مشاغل به دلایل متعددی متمایل به استفاده از وسایل پیشرفته جهت جمع‌آوری، نگهداری و پردازش اطلاعات مالی افراد باشند. بعضی از مفسران معتقدند در بافت یک جامعه مصرفی، هویت‌ها عمدتاً از طریق مصرف شکل‌گرفته و بیان می‌شوند و این تراکنش‌های مالی حفاظت نشده می‌توانند سلامت فردی، وضعیت مادی، سبک زندگی، عادت‌ها و بسیاری از موارد دیگر را افشا نمایند.[1] لذا برخلاف گذشته که حریم مالی به معنای محرمانه نگه‌داشتن درآمد ماهیانه، موجودی حساب بانکی و دارایی خالص بود؛ امروزه، حریم مالی یعنی محرمانه نگه‌داشتن تمام راه زندگی. سوابق کارت اعتباری، می‌تواند تمام خریدهای مشتری در هرزمانی که انجام شده را بر اساس تاریخ، مکان و سایر جزئیات طبقه‌بندی کند. (Swire, 1999: 391-442)

این سطح بی‌سابقه از جزییات که از ویژگی‌های متمایز سوابق مالی است، همراه با امکان تطبیق فراگیر با سایر پایگاه‌ها نشان می‌دهد که مقررات خودتنظیمی به‌تنهایی برای مبارزه با پتانسیل افزایش‌یافته سوءاستفاده گسترده از اطلاعات شخصی نمی‌تواند کافی باشد. (Boyd, 2006: 945) در پاسخ به این مشکل متمایز، استدلالی قوی برای اتخاذ رویکرد قانونی و ایجاد یک ساختار حقوقی متمایز برای رسیدگی به مشکل وجود دارد.

درواقع برخی اهداف اساسی از وضع قوانین به شرح ذیل است:

**هدف اول:** انطباق با خواسته‌های مردم، اولین هدف قانون‌گذاری، است. یک ملاحظه مهم در خصوص داده‌های مالی، این دیدگاه است که سوابق مالی دربردارنده اطلاعات شخصی حساس‌اند. نظرسنجی‌های متعددی در آمریکا نشان می‌دهد، اطلاعات مالی با سوابق پزشکی افراد در طبقه‌بندی حساس قرارگرفته‌اند. (Swire, 2001: 120) در دموکراسی، منطق ساده‌ای است مبنی بر تمهید حفاظت‌های دقیق‌تر برای اطلاعاتی که شهروندان بسیار مهم تلقی می‌کنند. لذا فراهم کردن حفاظت‌های دقیق‌تر برای اطلاعاتی که شهروندان بسیار مهم تلقی می‌کنند از ضروریات یک جامعه پیشرفته است (Swire, 2001: 120-21)

**هدف دوم:** به حداکثر رساندن منافع قانون‌گذاری، استدلالی کارا برای داشتن حفاظت‌های دقیق‌تر برای داده حساس، است. در قرارداد بین یک فرد و یک شرکت، اگر قرارداد آنچه را که طرفین آگاه بر آن توافق خواهند کرد را منعکس سازد، کارآمدتر است. افراد برای حفاظت بیشتر برای داده حساس‌تر چانه‌زنی خواهند کرد. افراد شاید اگر بازاریابان بدانند که چه طعمی از خمیردندان را استفاده می‌کنند بی‌تفاوت باشند؛ لکن اگر آن‌ها سوابق روانی یا سوابق هر خریدی که هرزمانی داشته‌اند را به‌طور گسترده در دسترس داشته باشند، به‌طور قابل‌توجهی ممکن است بیشتر توجه کنند. این مطمئناً کارآمدتر است تا

1. See Bourdieu, 1984

قواعد پیش‌فرض دقیق‌تری برای داده‌های حساس مالی و پزشکی نسبت به فروش‌های خمیردندان وضع نماییم.

دومین عامل این است که در مورد حوزه فناوری ابتدا تصور بر آن بود که بدون احتیاج به حفاظت‌های قانونی این حوزه با رویکرد فناورانه[۱] از حریم خصوصی افراد، حمایت خواهد کرد و یا حوزه صنعت با رویکرد خودتنظیمی[۲] استانداردهایی را جهت حفاظت از حریم خصوصی ایجاد خواهد نمود؛ اما در هر دو رویکرد، چالش عمده این بود که چه کسی و تحت چه شرایطی حق دسترسی به اطلاعات حفاظت‌شده را دارد. (Swire, 1997: 3.5-8) درواقع یک نظام قانونی خوب حریم خصوصی، برخورد دقیقی با اطلاعات حساس دارد و درعین‌حال، برخی صور مطلوب انتشار اطلاعات را مجاز می‌کند. درواقع می‌توان با به اشتراک‌گذاری برخی از اطلاعات مالی، هزینه‌های قانون‌گذاری را کاهش و کارایی آن را افزایش داد. به‌عنوان‌مثال، به‌جای اینکه قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای دریافت وام وضع نماییم، گزارش‌های صحیح اعتباری کمک زیادی در این موضوع خواهد نمود و یا مثلاً با خریدهای خارج از الگوی مصرف فرد، مشخص می‌شود که یک سارق، کارت اعتباری او را به سرقت برده و کارت مسدود می‌گردد. (Swire, 2001:121)

لذا به نظر می‌رسد اگر قوانینی برای الزام مؤسسات مالی به حمایت از حریم خصوصی مشتریان نباشد، نه‌تنها این مؤسسات وظیفه‌ای برای حمایت از حریم خصوصی نمی‌بینند؛ بلکه حتی نمی‌توان آن‌ها را ملزم به رعایت حریم خصوصی افراد نمود و این امر سبب افزایش تقلب، کلاهبرداری و سایر فعالیت‌های کیفری در حوزه خدمات مالی می‌شود. این امر مستلزم راه‌حل‌های «تنظیم- مشارکتی»[۳] برای حل مشکلات حریم خصوصی است که در آن نیروهای اقتصادی، فناوری‌های رمزگذاری و رهنمودهای هدفمند مقررات‌گذاری برای ایجاد سیستمی، با اجرای کافی و قدرت‌های کنترلی متحد می‌شوند.[۴]

---

۱. فناوری‌های افزایش حریم خصوصی عبارت است از «نظام پیوسته‌ای از اقدامات فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات که با حذف یا کاهش داده شخصی و یا با جلوگیری از پردازش غیرضروری و یا نامطلوب داده از حریم خصوصی حفاظت می‌کنند» (Van Blarkom, Borking, and Olk, 2003: 3)

۲. قواعد خودتنظیمی "Self Regulation"، قواعد و استانداردهایی است که برخلاف مقررات دولتی داوطلبانه است. معمولاً صنایع در صورت خلأ قوانین و یا در برخی موارد فرای از الزامات مقررات فعلی، اقدام به وضع قواعد و استانداردهایی می‌کنند که با مکانیسم‌های اجرای رسمی و غیررسمی ازجمله توافقات مکتوب بین شرکت‌ها و یا بین شرکت‌ها و دیگر گروه‌ها قابل‌اجراست. اسنادی که بدین طریق تنظیم می‌شود نوعاً «کدهای رفتاری شرکت» که بر رفتار شرکت حاکم است، نامیده می‌شود. رجوع شود به (Haufler, 2013: 8)

3. Co-regulative

4. OECD, 1997

## ۳. جایگاه مفهومی-نهادی حریم مالی در نظام حقوقی ایالات‌متحده آمریکا

در ایالات‌متحده، معنای تاریخی حریم خصوصی عبارت از عدم دخالت دولت مرکزی است. خاستگاه دریافت آمریکایی‌ها از حریم خصوصی به زمان استعمار و احکام تفتیش[1] برمی‌گردد. این احکام به مأموران، اختیار عمل گسترده‌ای برای ورود به اماکن خصوصی و تفتیش جهت پیگرد تخلفات از قوانین گمرکی بریتانیا را می‌داد. پس از استقلال، چهارمین متمم قانون اساسی، یک حفاظت کلی در برابر تفتیش‌های غیرمعقول را وضع نمود. در سال ۱۸۹۰، قضات دادگاه عالی انصاف وارن و براندیس حق حریم را به‌عنوان «حق بر تنها ماندن» تفسیر کردند. در چند دهه بعد، مجلس قانون‌گذاری قوانینی وضع کرد که عمدتاً مبتنی بر نیاز جامعه و ضرورت تعادل بین نهادهای اجرایی قانون و منافع حریم خصوصی افراد بود.

بسیاری از قوانین مدون حمایت‌کننده از حریم مالی در ایالات‌متحده آمریکا، از پایان دهه ۱۹۶۰ بر اساس رویه قضایی این کشور تدوین گردیده است. مهم‌ترین قانون حریم مالی در بخش خصوصی، قانون گرام-لیچ-بلیلی است که در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسید. سیر تحول حقوق حریم مالی در ایالات‌متحده آمریکا، در سه مرحله قانون‌گذاری به شرح ذیل قابل‌بررسی است:

### ۳-۱. قوانین حریم مالی قبل از ۱۹۹۹

قوانین حریم مالی که قبل از قانون گرام-لیچ-بلیلی به تصویب رسیده است شامل دودسته کلی قوانین فدرال و قوانین ایالتی است که به شرح ذیل است:

#### ۳-۱-۱. قوانین حریم مالی فدرال

قوانین حریم خصوصی فدرال قبل از قانون گرام-لیچ-بلیلی شامل سه قانون عمده ذیل است.

##### ۳-۱-۱-۱. قانون گزارش‌دهی اعتباری منصفانه[2]

اولین اقدامات حفاظتی از حریم خصوصی در اوایل دهه ۱۹۷۰ و با ظهور ابررایانه‌ها و پایگاه‌های داده به وجود آمد. حوزه اصلی این نگرانی، آژانس‌های گزارش‌دهی اعتباری و دولت فدرال بود. نگرانی در خصوص سوابق اعتباری، این بود که میراث قطعه‌قطعه شده آژانس‌های اعتباری محلی تبدیل به چند پایگاه داده ملی شد؛ اما پایگاه‌های ملی اخیر، دربردارنده مقدار زیادی اطلاعات تصدیق نشده و اغلب نادرست بود که برخی از آن‌ها توسط افراد بی‌دقت و یا با سوءنیت فراهم‌شده بود. در مواجهه با این نگرانی درباره پایگاه‌های داده مرکزی، کنگره قانون گزارش‌دهی اعتباری منصفانه را در ۱۹۷۰ تصویب کرد. این

1. Writs of assistance
2. Fair Credit Reporting Act of 1970, 15 U.S.C. §§ 1681 et seq. (FCRA)

قانون اولین قانون فدرال در ایالات‌متحده مربوط به حریم مالی[۱] در بخش خصوصی بود. با وضع این مقرره ایالات‌متحده آمریکا اقدام به وضع مقررات مضیق، غیر جامع و مجزایی درباره صنعت را آغاز نمود. (Jentzsch, 2007: 3-4) درواقع این قانون دربردارنده قواعدی در خصوص نحوه افشای اطلاعات شخصی افراد در قالب گزارش‌های اعتباری این مؤسسات بود. (Solove and Schwartz, 2015a: 242-44) این قانون همچنین به مصرف‌کنندگان اجازه دسترسی به اطلاعات تقاضا شده برای یک گزارش اعتباری و فراهم نمودن پروسه رفع‌ورجوع دعاوی راجع‌به صحت گزارش را می‌داد.[۲] این قانون به آژانس‌های گزارش‌دهی اعتباری اجازه می‌داد که در موارد بسیاری اطلاعات اعتباری شخص را بدون رضایت وی انتشار دهند. این قانون توسط قانون گزارش‌دهی اعتباری منصفانه در سال ۱۹۹۶ و قانون مبادلات اعتباری عادلانه و دقیق در سال ۲۰۰۳ و همچنین قانون گزارش‌دهی اعتباری ایالات‌متحده در سال ۲۰۰۶ اصلاح گردید.

### ۳-۱-۱-۲. قانون رازداری بانکی

قانون رازداری بانکی[۳] یکی دیگر از قوانین فدرال است که در سال ۱۹۷۰ به تصویب رسید. در این قانون بیان شده که بانک، مسئول محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات تراکنش مشتریان است و فقط در برخی موارد خاص، مقامات مسئول بانک در وزارت خزانه‌داری می‌توانند اطلاعات تراکنش مشتریانشان را تحت شرایط خاصی، جهت کمک به پرونده‌های مالیاتی و کیفری بررسی نمایند. البته با تصویب این قانون و انتشار آن عده‌ای به مخالفت با آن برخاستند و استدلال مخالفان این بود که اختیار دولت در بررسی حساب‌ها با اصلاحیه چهارم و پنجم قانون اساسی ایالات‌متحده آمریکا مغایر است. (Kirkbride, Jianping, and Zhongwei, 2009: 227)

در سال ۱۹۷۶ دعوی میلر در برابر ایالات‌متحده آمریکا[۴] دادگاه عالی ایالات‌متحده مقرر نمود که سوابق مالی تحت تصرف اشخاص ثالث، تحت حمایت متمم چهارم نیست. این دادگاه «دکترین شخص ثالث»[۵] را بیان داشت؛ به این معنا که مردم انتظار معقولی از حریم خصوصی در اطلاعات منتقل‌شده به اشخاص ثالث ندارند.

---

۱. قانون گزارش‌دهی اعتباری منصفانه، قانونی خاص در زمینه حریم خصوصی مالی است که فقط مختص مؤسسات گزارش‌دهی اعتباری است. برخلاف قانون گرام-لیچ-بلیلی که قانونی عام در مورد حریم خصوصی مالی و قابل اعمال بر کلیه مؤسسات مالی است.

2. Fair Credit Reporting Act at § 1681g

3. Bank Secrecy Act (BSA) of 1970, Pub. L. No. 91-508

4. United States v. Miller, 425 U.S. 435 (1976)

5. Third Party Doctrine

کنگره آمریکا به این حقیقت پی برد که به دولت قدرت بسیار زیادی توسط قانون رازداری بانکی داده شده است و لذا می‌بایست محدودیت‌های مناسبی فراهم شود.

### ۳-۱-۱-۳. قانون حق بهره‌مندی از حریم مالی

قانون حق بهره‌مندی از حریم مالی[1] یکی دیگر از قوانین فدرال مصوب ۱۹۷۸ است. طبق این قانون، دولت باید در دسترسی به اطلاعات مالی شهروندان از رویه خاصی تبعیت نماید و برای به دست آوردن سوابق مالی به‌وسیله مأمورین اجرای قانون، وجود یک احضاریه و یا حکم تفتیش[2] را لازم دانست. (Solove and Schwartz, 2015a: 42)

قبل از تصویب این قانون، نه دولت به هنگام دسترسی به‌حساب مشتریان آن‌ها را مطلع می‌نمود و نه افراد حق منع دولت از این امر را داشتند. طبق این قانون، مؤسسات فدرال حق ندارند اطلاعات را به دیگر سازمان‌های دولتی ازجمله مقامات مالیاتی افشا نمایند و حق دسترسی مؤسسات فدرال به‌شدت به تحقیق در جرائم مالی محدود گردید. (Kirkbride, Jianping, and Zhongwei, 2009: 228)

### ۳-۱-۲. قواعد و قوانین حریم مالی ایالتی

جهت تکمیل بحث در باب قوانین حریم مالی در حقوق ایالات‌متحده آمریکا، لازم به ذکر است که برخی قواعد حریم مالی از قانون اساسی ایالت‌ها ناشی می‌شود. این قواعد گاهی به ممنوعیت فروش، تبادل و یا انتشار اطلاعات مالی شخصی غیرعمومی تفسیر می‌شوند. اکثر ضمانت‌های حریم خصوصی قانون اساسی ایالتی بدین گونه تفسیر می‌شوند که صرفاً در ارتباط با فعالیت‌های دولتی و نه فعالیت‌های طرفین خصوصی، حمایت‌هایی را فراهم کرده‌اند. (Nojeim, 2000a: 84)

کامن‌لا ایالتی نیز، به‌ویژه آنجایی که به نقض حریم خصوصی[3]، هتک حرمت[4] و قراردادهای ضمنی مربوط است، از حریم مالی حمایت می‌کند؛ ولی بااین‌وجود دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی بر اساس نقض حریم خصوصی و هتک حرمت، به‌ندرت موفق می‌شوند؛ چراکه صرفاً افشای اطلاعات محرمانه برای ایجاد عناصر مسئولیت مدنی، کفایت نمی‌کند. (Nojeim, 2000: 84-85) و درنهایت، برخی ایالت‌ها قوانین موضوعه‌ای نیز در خصوص حریم مالی تصویب نموده‌اند. اکثر قوانین مذکور، صرفاً ناظر به افشای اطلاعات شخصی مالی به نهادهای دولتی ایالتی است؛ اما برای مثال برخی ایالت‌ها، افشا اطلاعات مالی خاصی را برای همه پوشش می‌دهد. (Nojeim, 2000: 85)

---

1. Right to Financial Privacy Act of 1978, 12 U.S.C. §§ 3401–3422(RFPA)
2. Search warrant
3. Invasion of privacy
4. Defamation

### ۳-۲. تصویب قانون گرام-لیچ-بلیلی

قانون نوسازی خدمات مالی[1] که در متن نهایی قانون گرام- لیچ- بیلی نام گرفت، مصوب ۱۹۹۹ است. این قانون به وضع مقررات حریم خصوصی برای مؤسسات خدمات مالی پرداخته و تبادل اطلاعات بین نهادهای مالی و اشخاص ثالث غیر وابسته، تحت نظارت قانون درآمده است. طبق این قانون هر موسسه مالی، تعهد مثبت و مستمری به حفظ و احترام به حریم خصوصی مشتریان و حمایت از امنیت و محرمانه بودن اطلاعات شخصی غیرعمومی آن‌ها دارد. طبق این قانون، مؤسسات مالی ملزم به ارائه سیاست حفظ حریم خصوصی خود و ارتقاء روش‌های حفظ آن هستند.

هرچند در اوایل سال ۱۹۹۹، فشاری برای تصویب مقررات حریم مالی نبود، برای درک خاستگاه قانون گرام-لیچ-بلیلی، برخی از وجوه اصلی موج فعالیت دیپلماسی و سیاسی در دهه ۱۹۹۰ را موردبررسی قرار می‌دهیم. مجموعه‌ای از وقایع ازجمله پنج گونه متفاوت از مذاکرات مربوط به حریم خصوصی و همچنین ناکافی بودن قوانین موجود با توجه به مجوز ادغام به بخش مالی، باعث شد که موضوع حریم خصوصی در مذاکرات مالی ۱۹۹۹ از اهمیت مضاعفی برخوردار گردد و این سؤال مطرح شود که چرا اطلاعات مالی که در نظر مردم بسیار حساس هستند، نمی‌بایست تحت حفاظت قواعد حریم خصوصی قرار گیرد.

#### ۳-۲-۱. مذاکرات و قوانین مؤثر بر تصویب قانون

پنج گونه مذاکره حریم خصوصی به شرح ذیل است:

##### ۳-۲-۱-۱. حریم خصوصی اینترنتی

در این دهه توجه عمومی بسیار گسترده‌ای بر رشد مسئله حریم خصوصی اینترنتی به‌ویژه اطلاعات جمع‌آوری‌شده بر صفحات اینترنت متمرکز شد. دولت آمریکا در اوایل به این موضوع به‌عنوان قسمتی از پروژه شاهراه اطلاعات توجه داشت. کمیسیون تجارت فدرال در ۱۹۹۵ درگیر حریم خصوصی اینترنتی به جهت قدرت اجرایی در مقابل فعالیت‌های تجاری «ناعادلانه و خدعه آمیز»، مانند نقض سیاست‌های حریم خصوصی وب گردید. رئیس تجارت الکترونیک در دولت، سیاست تشویق صنعت خودتنظیمی را در تابستان ۱۹۹۷ اعلام کرد. وزارت بازرگانی، در تشویق صنعت جهت بهبود شیوه‌های حفاظت از حریم خصوصی به‌عنوان بخشی از توسعه تجارت الکترونیکی درگیر شد. سپس موضوع حریم خصوصی با اعلام داشتن «لایحه حقوق الکترونیکی» ارتقاء یافت[2]. رویکرد دولت به این‌سو رفت که اگر صنعت به‌طور کارا فعالیت نکند، به سمت حمایت قانونی از حریم خصوصی اینترنتی، تغییر رویه بدهد. (Swire, 2001:115)

1. Title V of the Gramm-Leach-Bliley Financial Services Modernization Act
2. Electronic Bill of Rights

### ۳-۲-۱-۲. حریم خصوصی پزشکی

قانون جوابگویی و نقل‌وانتقال بیمه‌ای سلامت[1] در سال ۱۹۹۶ تصویب شد. مطابق این قانون، بیمه گذران و شرکت‌های بیمه‌ای سلامت به سوابق پزشکی الکترونیکی دسترسی یابند. همچنین حریم خصوصی و حفاظت‌های امنیتی می‌بایست به‌عنوان قسمتی از این نقل‌وانتقال به سوابق الکترونیکی افراد ایجاد شوند. در این قانون، مهلتی برای کنگره جهت نگارش قانون حریم خصوصی پزشکی مقرر گردید که در صورت انقضای مهلت و عدم تصویب قانون، دولت می‌بایست اقدام به تدوین قانون مذکور نماید. ازآنجایی‌که مهلت مقررشده برای کنگره به اتمام رسید، دولت قاعده پیشنهادی حریم خصوصی پزشکی را در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۹ دو هفته قبل از امضای قانون گرام-لیچ-بلیلی اعلام داشت. حریم خصوصی اینترنتی و مذاکرات صورت گرفته در خصوص حریم خصوصی سوابق پزشکی به شکل‌گیری مباحثاتی در خصوص لزوم حفاظت‌های حریم مالی و اهمیت اطلاعات مالی به همان اندازه اطلاعات پزشکی گردید.

### ۳-۲-۱-۳. دستورالعمل حفاظت داده اتحادیه اروپا

دستورالعمل حفاظت داده اتحادیه اروپا در ۱۹۹۵ با برنامه‌ریزی جهت اجرا در اکتبر ۱۹۹۸ به تصویب رسید. بر اساس ماده ۲۵ این دستورالعمل، این احتمال وجود داشت که حفاظت‌های حریم خصوصی هماهنگ و دقیقی را الزامی می‌نماید. بر اساس این قانون، اگر حفاظت‌های ایالات‌متحده ناکافی شناخته شود، تجارت با اروپا مختل گردد[2]. مذاکرات پیرامون این دستورالعمل موجب حساس کردن طیف بیشتری از مقامات سیاسی به موضوع حریم خصوصی شد. همچنین تصور مقررات مشابهی دقیقی در ایالات‌متحده آمریکا، استدلال ناکارآمد بودن قوانین که توسط صنعت مطرح می‌شد را غیرقابل‌قبول‌تر می‌نمود.

### ۳-۲-۱-٤. رمزگذاری

مذاکرات مربوط به سیاست رمزگذاری که در آغاز دهه ۱۹۹۰ آغازشده بود، به موضوع حریم خصوصی، شدت بخشید. از یک‌سو، شرکت‌های تجارت الکترونیکی از رمزگذاری دقیق به‌عنوان ابزاری لازم برای انجام معاملات تجاری ایمن در اینترنت حمایت می‌کردند و از سوی دیگر دولت و مقامات امنیتی دولتی نگران سوءاستفاده مجرمین از رمزگذاری بودند. ولی دولت آمریکا در سپتامبر ۱۹۹۹، تغییر موضع خود را به حمایت از رمزگذاری به‌منظور افزایش صادرات و حفاظت از حریم خصوصی اعلام داشت. مذاکرات رمزگذاری که چندین سال به طول کشید، با اعلام صدها عضو کنگره در حمایتشان برای رمزگذاری دقیق‌تر و بنابراین حفاظت‌های حریم خصوصی بیشتری که منجر خواهد شد، به اوج خود رسید.

1. Health Insurance Portability and Accountability Act (HIPAA)
2. See safe harbor website, available at http://www.export.gov/safeharbor

**۳-۲-۱-۵. قاعده «مشتری‌ات را بشناس»**

قاعده «مشتری‌ات را بشناس» در اواخر ۱۹۹۸ برای جلوگیری از پول‌شویی مطرح شد. این مقـرره از همـه بانک‌ها می‌خواهد که برنامه‌ای را برای شناسایی هویت، منابع مالی، تراکنش‌های متعـارف و مـورد انتظـار مشتریان، نظارت بر فعالیت حساب مشتریان به‌منظور شناسایی تراکنش‌هایی که متنـاقض بـا تراکنش‌هـای متعارف و مورد انتظار هستند و گزارش در مورد هر تراکنشی از مشتریان که در تطابق با مقـرره گزارش‌دهـی فعالیت‌های مشکوک[1] اسـت، طراحـی و توسـعه دهنـد.[2] مخالفت‌هـای زیـادی از طـرف محافظـه‌کاران، لیبرال‌ها و گروه‌های طرفدار آزادی اراده صورت پـذیرفت کـه درنهایـت ایـن قاعـده در مـارس ۱۹۹۹ لغـو گردید.

**۳-۲-۲. سایر عوامل مؤثر بر تصویب قانون**

با عنایت به نقاط ضعف رویکردهای فنّاورانه و خودتنظیمی، شرایط برای رویکرد قـانونی جنبـه الزامی‌تـری به خود گرفت. این موضوع به‌وسیله دو عامل تقویت شد:

**۳-۲-۲-۱. ادغام صنعت مالی و افزایش خطر حریم مالی**

در ابتدا قانون گرام-لیچ-بلیلی برای نوسازی خدمات مالی از طریق نسخ مقررات قانون گـلاس اسـتیگال[3] که از ادغام بانک‌ها، شرکت‌های اوراق بهـادار و شـرکت‌های بیمـه جلـوگیری می‌کـرد، طراحی‌شـده بـود. هرچند در طـول زمـان، راه‌هـای گریـزی ایجـاد شـد و برخـی اتحادهـا میـان بانک‌هـای تجـاری و سـایر شرکت‌های مالی مجاز شدند ولی قانون گرام-لیچ-بلیلی، باقی‌مانده موانع اتحاد را نیـز از میـان برداشـت. فرصت‌های جدید برای ادغام، نگرانی‌های قابـل‌توجهی را بـه وجـود آورد به‌طوری‌کـه شـرکت‌های جدیـد هلدینگ مالی به مقادیر زیادی از اطلاعـات شخصـی دربـاره مشتریانشـان دسترسـی پیـدا خواهنـد کـرد که می‌توانسـتند ایـن اطلاعـات را ادغـام، تجزیـه‌وتحلیل و بـدون هـیچ محـدودیتی بـه فـروش برسـانند. (Cate, 1997: 131) افزایش سطح بی‌سابقه‌ای از جزئیات همراه با امکان تطبیـق فراگیـر بـا سـایر پایگاه‌هـا به‌عنوان نتیجه ادغام، نشان داد کـه مقـررات خـودتنظیمی بـه‌تنهایی بـرای مبـارزه بـا پتانسـیل افزایش‌یافتـه سوءاستفاده گسترده از اطلاعات شخصی کافی نیست. (Boyd, 2006: 945).

**۳-۲-۲-۲. نقص و خلأ قوانین موجود**

در ایالات‌متحـده آمریکـا، حفاظت‌هـای قـانونی انـدکی بـرای تضـمین حـریم خصوصـی افـراد در اکثـر

1. The [agency's] existing suspicious activity reporting regulation
2. Know Your Customer Requirements, 63 Fed. Reg. 67524 (Dec. 7 1998) (to be codified at 12 C.F.R. pt. 21).
3. Glass–Steagall Act of 1933, 12 U.S.C. § 227 (2006)

موضوعات شخصی‌شان وجود دارد. قوانین فدرال غالباً مبهم، ناقص و منعکس‌کننده ملاحظات و اهداف متناقض سیاست هستند. (Roderer, 2000: 210) قواعد و قوانین فدرال و ایالتی حریم مالی که سابقاً ذکر گردید، به‌صورت جامع وجود ندارد (Boyd, 2006: 944) و مجموعاً این قوانین و رویه قضایی، اثر بسزایی بر حفاظت‌های حریم خصوصی اطلاعات مالی افراد نمی‌گذاشتند. نظرسنجی‌ها نشان داد که ۸۹% مصرف‌کنندگان در مورد تهدیدات به حریم خصوصی‌شان در رابطه با خدمات مالی نگران هستند. (Budnitz, 1997: 847-49) درنهایت موارد مذکور و مواردی ازجمله سوءاستفاده‌های بازاریابی، کلاهبرداری اعتباری و سرقت هویت منجر به اهمیت مضاعف حریم مالی و تصویب قانون گرام-لیچ-بلیلی گردید.

### ۳-۳. تحولات پس از تصویب قانون

بسیاری از طرفداران حریم خصوصی، بیان کردند که باوجود ادغام، قواعد محدودی که در قانون است، حفاظت مناسبی را جایگزین نکرده است. (Nojeim, 2000: 81-83) در زمان امضای گرام-لیچ-بلیلی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا خواستار قانون جدیدی برای تکمیل حفاظت‌های حریم مالی گردید. در آوریل سال ۱۹۹۹ قانون حریم مالی مصرف‌کننده[1] پیشنهاد شد که به دولت فرصتی داد تا نظراتش را درباره چگونگی حفاظت از حریم مالی در حین سود بردن از منافع فناوری، رقابت و نوآوری در خدمات مالی ارائه دهد. این قانون مستلزم قاعده «پذیرش صریح» برای تقسیم اطلاعات پزشکی با شرکت‌های هلدینگ مالی بود. پیشنهاد این قانون به تحریک فعالیت قانون‌گذاری بر حریم مالی در سال ۲۰۰۰ کمک کرد. در صف اول مقررات‌گذاری، گروهی از هفت آژانس قانون‌گذاری تحت مهلت فشرده شش‌ماهه مقرر در گرام-لیچ-بلیلی جهت انتشار مقرره‌ای نهایی و پیشنهادی کارکردند. برخی ایالات، قوانینی در خصوص حق پذیرش صریح قبل از سال ۱۹۹۹ داشتند و لوایح مشابه بسیاری در سایر ایالات در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ ارائه شد[2].

کمیته بانکداری مجلس لایحه‌ای را وضع کرد اما محدود به تقسیم اطلاعات پزشکی با یک شرکت هلدینگ بود. در کمیته بانکداری سنا، موقعیتی ایجاد شد که کمیته می‌توانست فقط زمانی بر موضوعات دیگر قانون‌گذاری کند که اصلاحیه‌های حریم مالی لحاظ شده باشند. یکی دیگر از قوانین مؤثر پس از قانون گرام-لیچ-بلیلی، قانون پاتریوت است که بلافاصله بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر تصویب شد. این قانون دربردارنده مسائل مهمی ازجمله نقض گسترده حریم خصوصی شهروندان آمریکایی است. فصل سوم این قانون نیز تحت عنوان «قانون جلوگیری از فعالیت‌های بین‌المللی پول‌شویی و

1. Consumer Financial Privacy Act (CFPA)

2. See the survey of proposed state laws in the annual survey by the Privacy & Information Law Report

تأمین مـالی تروریسـم» ضـمن اصـلاح قـانون رازداری بـانکی مصـوب ۱۹۷۰ و سـایر قـوانین مـرتبط بـا پول‌شویی، مقرراتی در این زمینه وضع نموده است. یکی از این موارد، برخی تغییرات نسـبت بـه قـوانین و رویه‌های موجود برای شناسایی تروریست‌ها و ره‌گیری گردش پول است تا دسترسی به تبادلات مالی بـرای مأموران انتظامی و امنیتی آسان شود. ماده ۳۵۸ این قانون با اصلاح قانون «حق بهره‌مندی از حـریم مـالی» مصوب ۱۹۷۸ که هسته مرکزی حمایت از محرمانه بودن اطلاعات مـالی محسـوب می‌شـد، بـه بانک‌هـا اجازه می‌دهد که اطلاعات بانکی را بـه‌منظور تحلیـل اطلاعـاتی در اختیـار مقامـات دولتـی قـرار دهنـد. همچنین ماده ۳۲۶ این قانون از تجدیدنظر قواعد «مشتری‌ات را بشناس» خبر می‌دهد کـه در دهـه ۱۹۹۰ به دلیل منافی بودن با محرمانه بودن اطلاعات، لغو گردیـد. یکـی از نویسـندگان پـس از بررسـی تـأثیرات قانون پاتریوت بر مؤسسات مالی نتیجه می‌گیرد که: «بانک‌ها در عمـل کـارگزاران مـأموران فـدرال شـده‌اند (Connor, 2001: 24-25)»[1]

## ٤. حمایت‌های حریم مالی در حقوق ایران

لایحه حریم خصوصی در هفت فصل و ۸۳ ماده در سال ۱۳۸۳ در کمیسیون لوایح دولت تصـویب شـد. این لایحه پس از طرح در کمیسیون فرهنگی مجلس در فروردین ۱۳۸۵ به دلایلی نامعلوم از سـوی دولـت باز پس گرفته شد.[2] در بنـد ۴ مـاده ۲ ایـن لایحـه یکـی از اقسـام عمـده اطلاعـات شخصـی، اطلاعـات مربوط به شماره کارت‌های اعتباری اشخاص بیان شده است.[3] فصل پنجم این طـرح در خصـوص حـریم خصوصی اطلاعات اسـت. احکـام فصـل مربـوط بـه حـریم خصوصـی اطلاعـات در دو بنـد جداگانـه تدوین‌شده است: حریم اطلاعات شخصی و حریم خصوصی در فعالیت‌هـای رسـانه‌ای. در ایـن فصـل، اختیارات مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خـدمات عمـومی در خصـوص اطلاعـات شخصی و نیز حقوق افرادی که اطلاعـات شخصـی آن‌هـا جمع‌آوری‌شـده اسـت موردتوجـه قرارگرفتـه و حسب اوضاع‌واحوال مختلف، احکام خاصی پیش‌بینی‌شده است.

### ٤-١. حمایت در قوانین عام

به‌موجب برخی از قوانین عام حمایت از حریم خصوصـی مقررشـده اسـت. در ذیـل بـه برخـی از قـوانین مهم‌تر در این خصوص و مقررات آن قوانین در این خصوص اشاره می‌کنیم.

---

۱. علاوه بر قوانین فوق، قوانینی چون قانون انتقال الکترونیکی وجوه مصوب ۲۰۰۶ و قانون فرصت اعتباری برابر مصـوب ۲۰۰۶ نیز مرتبط با بخش مالی هستند.

۲. هم اکنون این لایحه در کمسیونهای حقوقی و قضایی مجلس در حال نهایی شدن و ارسال به مجلس است.

۳. بند ۴ ماده ۲ لایحه حریم خصوصی: «اطلاعات شخصی، عبارت است از اطلاعات وابسته به شخصـیت افـراد نظیـر وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی و شماره کارت‌های اعتباری.»

### ٤-۱-۱. قانون اساسی

از منظر حقوق عمومی اقتصادی، شناسایی مطلق حق حریم خصوصی برای عموم و آنگاه شناسایی حق حریم مالی شهروندان ازجمله مفاهیم و تدابیری است که به لحاظ تاریخی در قوانین اساسی برخی کشورها ازجمله در ساختار حقوقی آمریکا درج و به رسمیت شناخته شده است و در سایر نظامات ازجمله اتحادیه اروپا مجراست. لیکن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از این حق، به‌عنوان یک حق اساسی همگانی که متعلق به عموم شهروندان باشد، ذکری به میان نیامده است. بااین‌وجود، در اصولی چند که می‌توان به‌عنوان مبانی شناسایی حق حریم مالی شهروندان از آن یاد کرد، اشاراتی به آن شده است. اصل بیست‌ودوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد از تجسس مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز نماید.» در این اصل علاوه‌بر اینکه مفهوم تعرض مبهم است، در اینکه آیا مفهوم مال، حفاظت از اطلاعات مالی افراد را هم شامل می‌شود یا خیر محل سؤال است. (جهاد دانشگاهی واحد تهران و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۸۳) اصل بیست‌وپنجم قانون اساسی مقرر می‌دارد «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی... و هرگونه تجسس ممنوع است؛ مگر به‌حکم قانون.» با عنایت به مفهوم تجسس و احراز آن می‌توان بسیاری از موارد نقض حریم خصوصی ازجمله دسترسی به اطلاعات مالی اشخاص را که بدون اجازه صاحبان اطلاعات صورت می‌گیرد از مصادیق تجسس دانسته و با استناد به این اصل، حکم به ممنوعیت آن داد؛ مگر اینکه قانون و یا قوانین خاصی این امر را اجازه داده باشد. (جهاد دانشگاهی واحد تهران و دیگران، ۱۳۹۲: ۵)

### ٤-۱-۲. قوانین کیفری

در برخی قوانین عادی نیز اگرچه به‌صراحت از حریم خصوصی و حریم مالی نام برده نشده است؛ اما احکامی که در آن‌ها پیش‌بینی‌شده با حمایت از حریم خصوصی ارتباط دارد. برای مثال می‌توان به ماده ۴ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که بیان می‌دارد: «اصل، برائت است هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به‌حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و درهرصورت این اقدامات نباید به‌گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.» جمع‌آوری اطلاعات افراد در خصوص حساب‌های بانکی و مالیاتی جزئی از حریم خصوصی فرد محسوب شده و هرگونه استعلام و جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت محسوس یا نامحسوس نیاز به دستور صریح و روشن مقام قضائی دارد و بدون حکم قانون و دستور مقام قضائی از مصادیق تجاوز به حریم خصوصی افراد خواهد بود. در این خصوص به مواد ۵۵-۹۸-۱۰۱-۱۰۴-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۶-۱۵۲-۱۵۳ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۵۷۰-۵۸۲-۶۰۴-۶۴۸ از قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ می‌توان اشاره نمود.

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ طی حکم عـامی دارنـدگان تمـام ایـن مشـاغل را بـه حفـظ اطلاعات مردم الزام کرده و مقرر می‌دارد:

«اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خـود محـرم اسـرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یـک روز تـا یـک سـال و یـا بـه یک‌میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

این ماده در خصوص مشاغل، کلی است؛ لذا شامل مشاغل دولتـی و غیردولتـی می‌گـردد. بـر همـین اساس مأمورین دولتی که به مناسبت شغل خود بر پاره‌ای از اسرار افراد مطلع می‌گـردد، حـق ندارنـد: اولاً، خارج از محدوده‌ای که مرتبط با موضوع کاری و ضرورت‌های قانونی است کسب اطـلاع نماینـد و ثانیـاً، حق ندارند از مطالب به‌دست‌آمده خارج از محدوده لازم استفاده‌ای نمایند.

همچنین قضات مکلف‌اند دقت لازم برای جلوگیری از افشـای مضـمون و محتـوای اسـناد شخصـی غیرمرتبط با اتهام را در طول تحقیقات به عمل آورند. همچنین بایستی در موارد لازم به‌ویژه در مورد اطفـال محاکمه را غیرعلنی برگزار نمایند و در محاکمات علنی نیز بهتر است به اصحاب رسـانه دربـاره ممنوعیـت انتشار جریان محاکمه تا قبل از قطعی شدن حکم تذکرات لازم را ارائه دهند.

ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد:

«انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یـا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسـانه‌ها مجـاز اسـت. بیـان مفـاد حکـم قطعـی و مشخصـات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

تبصره ۱- هرگونه عکس‌برداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است؛ امـا رئـیس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحـت نظـارت او به‌صـورت صـوتی یـا تصـویری ضبط شود.

تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی کـه متضـمن بیـان مشخصـات شاکی و متهم است، درصورتی‌که به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفـظ نظـم عمـومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه امکان‌پذیر است.»

همچنین ضابطین قضایی وفق ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف‌اند برای تفتیش منازل، اجـازه مقام قضایی را کسب کنند.[1]

---

۱. ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمعهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را بـه‌طورکلی بـه ضابط ارجاع داده باشد.»

### ٤-۲. حمایت در قوانین خاص

به‌موجب برخی از قوانین خاص نیز حمایت از حریم خصوصی مقرر شده است. در ذیل به برخی از قوانین مهم‌تر در این خصوص و مقررات آن قوانین در این خصوص اشاره می‌کنیم.

#### ٤-۲-۱. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی است. این قانون ناظر به رابطه دولت و شهروندان است. در این قانون اطلاعاتی که حق دسترسی به آن‌ها وجود دارد، اشخاصی که حق دسترسی دارند و نهادهای ملزم به ارائه اطلاعات، بیان شده است. در فصل چهارم این قانون، استثنائات اصل دسترسی آزاد به اطلاعات ذکر شده که ازجمله این استثنائات، حمایت از حریم خصوصی است.

ماده ۱۶ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بیان می‌دارد: «درصورتی‌که برای مؤسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی محرز باشد که در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا متضمن خسارت مالی یا تجاری برای آن‌ها باشد باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع کنند.»

همان‌طور که در تعریف اطلاعات مالی بیان شد، بر اساس این ماده، دیگر تفکیکی میان اطلاعات مالی و غیرمالی وجود ندارد و تنها نوع زیانی که در اثر سوءاستفاده از اطلاعات پدید می‌آید، اهمیت دارد.

#### ٤-۲-۲. آیین‌نامه نظام سنجش اعتبار

آیین‌نامه نظام سنجش اعتبار مصوب ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ هیات وزیران است که در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۴ ابلاغ گردیده است. طبق بند (د) ماده یک این قانون، شرکت اعتبارسنجی، شرکتی است که با استفاده از اطلاعات موجود در پایگاه داده اعتباری و اطلاعات موجود نزد سایر تأمین‌کنندگان و مبتنی بر روش‌ها و الگوهای (مدل‌های) کمی و کیفی معتبر، نسبت به تعیین امتیاز اعتباری اشخاص و سایر خدمات اعتباری که توسط شورا به آن محول شده است، اقدام می‌کند.

ماده ۱۳ آیین‌نامه نظام سنجش اعتبار بیان می‌کند: «شرکت‌های اعتبارسنجی، تأمین‌کنندگان و استفاده‌کنندگان[1] در فرایند اعتبارسنجی موظف‌اند اطلاعات اشخاص را محرمانه تلقی کنند. هرگونه دسترسی، استفاده، تغییر و افشای اطلاعات مطابق دستورالعملی خواهد بود که به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب شورا می‌رسد.»

---

۱. رجوع شود به بند چ ماده یک آیین نامه نظام سنجش اعتبار.

طبق ماده مذکور، شرکت‌های اعتبار سنجی موظف هستند که حریم خصوصی اشخاص را رعایت نمایند.

**٤-۲-۳. قانون بانکداری بدون ربا**

در قانون بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۳۴ به‌صراحت افشای اسرار مالی مشتریان توسط اعضای هیئت نظارت بر بانک‌ها منع گردیده است. با استفاده از وحدت ملاک، می‌توانست گفته شود اصولاً قانون‌گذار افشای اطلاعات را از طریق هرکدام از افرادی که به دلیل موقعیت شغلی خود در بانک، به اطلاعات مالی افراد دسترسی دارند را ممنوع کرده است. متأسفانه در قانون بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ نه‌تنها به این مضمون اشاره‌ای نشده است؛ بلکه استناد به قانون قبلی نیز با نسخ صریح آن امکان‌پذیر نیست. (جهاد دانشگاهی واحد تهران و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۲) بااین‌حال، علی‌رغم عدم ایجاد محدودیت برای افشای اطلاعات مالی در قانون جدید، می‌توان قائل به امکان طرح اقامه دعوای نقض حریم مالی با استناد به قواعد عمومی حمایت از حریم خصوصی بود.

**٤-۲-٤. قانون مالیات‌های مستقیم**

قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۳/ ۱۲/ ۶۶ با اصلاحات بعدی آن ازجمله اصلاحیه مصوب ۲۷/ ۱۱/ ۸۰ و اصلاحات به‌عمل‌آمده از سال ۸۱ به بعد ازجمله سال ۹۴ است.

ماده ۲۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات (مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱) مقرر می‌دارد: «اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به دست می‌آورند، محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذی‌ربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشا، طبق قانون مجازات اسلامی با آن‌ها رفتار خواهد شد.»

در ماده ۲۷۹ الحاقی، مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ مقرر گردیده است: «هرگونه دسترسی غیرمجاز و سوءاستفاده از اطلاعات ثبت‌شده در پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی موضوع ماده (۱۶۹ مکرر) این قانون در خصوص مسائلی غیر از فرآیند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی یا افشای اطلاعات مزبور جرم است و مرتکب علاوه‌بر انفصال از خدمات دولتی و عمومی از دو تا پنج سال به مجازات بیش از شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود. سایر مجازات‌های قانونی مربوط به این ماده با اقامه دعوی توسط ذی‌نفعان و به تشخیص مراجع قانونی ذی‌صلاح تعیین می‌شود.»

**٤-۲-۵. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی**

یکی دیگر از قوانینی که به رعایت حریم خصوصی افراد اشاره کرده است، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی است. این قانون مشتمل بر شرح وظایف محاکم و دادسراها و ضابطان در مقابل مردم است. بر اساس بند ۸ این قانون، در مواردی که

برای کشف جرم و تعقیب متهمان نیاز به بازرسی و معاینات محلی وجود دارد، لازم است ضابطان قضایی حریم اطلاعات خصوصی افراد را رعایت کرده و از افشای اطلاعات محرمانه ایشان ازجمله اطلاعات مالی که در طول بازرسی به دست مأموران افتاده است، خودداری کنند. (جهاد دانشگاهی واحد تهران و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۳)

بند ۸ این قانون بیان می‌دارد: «بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.»

بند ۱۱ این قانون نیز بیان می‌دارد: «پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده موردبررسی احتراز گردد.»

شایان‌ذکر است تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، این ایراد به این قانون وارد بود که قانون فوق هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در خصوص نقض بندهای ماده‌واحده، توسط ضابطان دادگستری و مقامات قضایی تعیین نکرده است؛ اما خوشبختانه با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید این ایراد مهم و اساسی رفع شد. (کوشکی و موسوی‌آزاده، ۱۳۹۷: ۱۷۲)

### ٤-۲-٦. قانون مرکز آمار ایران

ماده ۷ «قانون مرکز آمار ایران» مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۰ مقرر می‌دارد:

«هر شخص ساکن ایران همچنین اتباع ایران مقیم خارج از کشور، مکلفند به پرسش‌های مربوط به کلیه سرشماری‌ها و آمارگیری‌ها که توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود، پاسخ صحیحی دهند. آمار و اطلاعاتی که ضمن آمارگیری‌های مختلف از افراد و مؤسسات جمع‌آوری می‌شود محرمانه خواهد بود و جز در تهیه آمارهای کلی و عمومی نباید مورداستفاده قرار گیرد. استفاده و مطالبه و استناد به اطلاعات جمع‌آوری‌شده از افراد و مؤسسات، به‌هیچ‌وجه در مراجع قضایی و اداری و مالیاتی و نظایر آن مجاز نخواهد بود.»

این ماده اقدام به بیان اصل رازداری حرفه‌ای جهت ایجاد اطمینان به عدم افشای این‌گونه اطلاعات نموده است.

### ٤-۲-۷. قانون مبارزه با پول‌شویی

بر اساس ماده ۸ قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات سال ۱۳۹۷:

«اطلاعات و اسناد گردآوری‌شده در اجرای این قانون، صرفاً در جهت کشف و رسیدگی به جرائم

استفاده می‌شود. افشای اطلاعات و اسناد یا استفاده از آن‌ها به نفع خود یا دیگری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و متخلف به مجازات حبس تعزیری درجه پنج محکوم خواهد شد.»

**٤-۲-۸. قانون بازار اوراق بهادار**

بر اساس «قانون بازار اوراق بهادار» (مصوب ۱۳۸۴)، دست‌اندرکاران اطلاعات بازار بورس در قبال اطلاعات نهانی این بازار دارای مسئولیت می‌باشند. در ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار، یکی از وظایف هیئت‌مدیره، بررسی و نظارت بر افشای اطلاعات بااهمیت توسط شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان برشمرده شده است.

ماده ۱۸ قانون بازار اوراق بهادار بیان می‌دارد: «اعضای شورا، سازمان، مدیران و شرکای مؤسسه حسابرسی سازمان مکلف‌اند از افشای مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعات محرمانه‌ای که در اجرای وظایف خود از آن‌ها مطلع می‌شوند، حتی پس از خاتمه دوران تصدی خود، خودداری کنند. متخلف به مجازات‌های مقرر در ماده (۴۶) این قانون محکوم می‌شود.»

ماده ۴۸ قانون بازار اوراق بهادار بیان می‌دارد: «کارگزار، کارگزار / معامله‌گر، بازار گردان و مشاور سرمایه‌گذاری که اسرار اشخاصی را که برحسب وظیفه از آن‌ها مطلع شده یا در اختیار وی قرار دارد، بدون مجوز افشا نماید، به مجازات‌های مقرر در ماده (۶۴۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهد شد.»

ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار بیان می‌دارد: «اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به‌دست‌آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱. هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آن‌ها به هر عنوان نمایندگی داشته باشند، قبل از انتشار عمومی، مورداستفاده قرار دهد و یا موجبات افشا و انتشار آن‌ها را در غیر موارد مقدر فراهم نماید.

۲. هر شخصی که با استفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید.»

**٤-۲-۹. قانون وکالت**

اشخاص هنگام مراجعه به وکلا ممکن است به‌ناچار و به لحاظ ضرورت کار خود، مدارک و اطلاعاتی را مطرح نمایند که افشای آن‌ها، حیثیت ایشان را به مخاطره اندازد. به همین جهت ماده ۳۰ «قانون وکالت ایران» مصوب ۱۳۱۵ مقرر نموده است:

«وکیل باید اسراری را که به‌واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیت و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نمایند.»

مسلماً تخطی از این وظیفه و ورود خسارات ناشی از فعل یا ترک فعلی که بر اساس قانون مرتبط با شخص هست، موجب ایجاد مسئولیت قانونی ازجمله مسئولیت مدنی خواهد شد.

### ٤-۲-۱۰. قانون مطبوعات

بر اساس ماده ۳۱ قانون مطبوعات (اصلاحی ۳۰ / ۱ / ۱۳۷۹): «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد، ممنوع است و مدیرمسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.» این ماده می‌تواند تقییدی بر ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵[1] راجع‌به افتراء محسوب شود و چون مؤخر بر آن و خاص از آن است، می‌توان گفت که می‌تواند شرط اعمال مجازات در صورت عدم اثبات صحت اسناد را منقضی کند. به عبارتی صرف انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است. البته این ماده، قابلیت پوشش تمام مصادیق ماده ۶۹۷ را ندارد و مثلاً نمی‌تواند تقییدی بر نطق در مجامع محسوب شود. لازم به ذکر است که وفق قانون اصلاح ماده (۱) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۸۸/۹/۸، نشریه‌های الکترونیکی و نیز خبرگزاری‌های داخلی نیز مشمول قانون مطبوعات شد و تقریباً تمام اصحاب رسانه به تکلیف مقرر در ماده ۳۱ قانون مطبوعات، ملزم هستند.

### ٤-۲-۱۱. سایر قوانین

برخی از مشاغل یک وظیفه و مأموریت عمومی انجام می‌دهند؛ درحالی‌که دارندگان این مشاغل مأموران دولتی محسوب نمی‌شوند. از این دسته مشاغل، در مورد سه حرفه، حکم صریح برای تکلیف به حفظ اطلاعات اشخاص وجود دارد. این افراد عبارت‌اند از کارشناسان رسمی دادگستری، مترجمان رسمی و سردفتران و دفتر یاران.

بند ۱۱ ماده ۲۶ «قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری» مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ یکی از موارد تخلف کارشناسان را که دارای مجازات انتظامی است، افشای اسرار و اسناد محرمانه اشخاص دانسته است.

---

۱. ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ بیان می‌دارد: «هر کس به‌وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به‌وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره- در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.»

ماده ۲۷ «آیین‌نامه مترجمان رسمی» مصوب ۱۳۷۴ مترجم را مکلف نموده تا «اسراری که در اثر ترجمه به آن‌ها واقف می‌شود را حفظ نماید».

درنهایت ماده ۵۱ «قانون دفاتر اسناد رسمی» مصوب ۱۳۱۶ مقرر کرده که «سردفتران و دفتر یاران و به‌طورکلی تمام کارکنان دفترخانه باید اسرار ارباب‌رجوع و متعاملین را که براثر تنظیم یا ثبت آن از آن اطلاع حاصل کرده‌اند، مکتوم دارند.»

در قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ در این خصوص مقرره‌ای وجود ندارد.

## نتیجه‌گیری

در ایالات‌متحده آمریکا حریم خصوصی یک حق اساسی و بشری نیست و رویکردهای مختلفی در حمایت از آن وجود دارد. در این مقاله، رویکردهای حمایتی از حریم مالی شامل رویکرد فناورانه، خودتنظیمی و قانونی از منظر تحلیل اقتصادی حقوق بررسی گردید و با بررسی تطبیقی این نتیجه به دست آمد که اگر هدف، حفاظت از حق حریم مالی است، قطعاً رویکردهای خودتنظیمی و فناورانه برای حفاظت از حریم مالی کارایی نخواهد داشت؛ ولی اگر هدف افزایش رفاه کل از طریق توازن نیازهای تجاری برای به اشتراک‌گذاری داده مالی و تمایل اشخاص به حفاظت از آن باشد، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه داده‌های مالی افراد، جزء داده‌هایی است که شهروندان حساس تلقی می‌کنند؛ لذا وضع حفاظت‌های قانونی دقیق‌تر برای چنین داده‌هایی از ضروریات جامعه پیشرفته است و چون اشخاص جامعه به چنین حفاظت‌هایی نیازمند و دائماً در روابطشان برای حفاظت از آن‌ها چانه‌زنی می‌کنند، فواید قانون‌گذاری در مورد آن بیشتر خواهد بود. از طرفی نیز افشای برخی اطلاعات به نفع جامعه است و همچنین با توجه به عدم کارایی رویکرد خودتنظیمی و فناورانه در اطلاعات مالی، باید قاعده حفاظت از اطلاعات مالی تحت نظامی قانونمند قرار گیرد.

در حقوق ایران قانون خاصی که حاکی از تضمین حریم خصوصی اطلاعات مالی شخصی وجود ندارد؛ ولی قوانینی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها اصل حمایت از حریم مالی را استنباط نمود؛ لذا می‌بایست قاعده حفاظت از حریم مالی و موارد استثنا از آن تحت نظامی قانونمند قرار گیرد. تلاش برای حریم مالی کاری نیست که به‌زودی به پایان برسد. تا جایی که افراد معتقد باشند که موجودی حساب و معاملاتشان اطلاعات شخصی است، این بحث ادامه خواهد داشت و گه گاه بروز خواهد کرد. حل مشکلات حریم مالی، نیازمند راه‌حل‌های تنظیم مشارکتی است که در آن نیروهای اقتصادی، فناوری‌های رمزگذاری و رهنمودهای هدفمند مقررات‌گذاری برای ایجاد سیستمی، با اجرای کافی و قدرت‌های کنترلی متحد می‌شوند و قانون‌گذار نیز ضروری است به‌عنوان مهم‌ترین نقش مؤثر در این حمایت، نظامی قانونی برای حمایت از حریم مالی در قبال افشاء و استفاده دیگران و در قبال نقض حریم مالی، با آموختن از تجربه سایر کشورها در این زمینه وضع و اجرا نماید.

## فهرست منابع

آقابابایی، حسین؛ ۱۳۹۶، حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

انصاری، باقر؛ ۱۳۸۷، آزادی اطلاعات، تهران: دادگستر.

انصاری، باقر؛ ۱۳۹۱، حقوق حریم خصوصی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

اهوانی، حسام‌الدین کامل؛ ۱۹۷۸، الحق فی احترام الحیاه الخاصه، قاهره: دار النهضه العربیه.

جعفری، علی و عظیم عابدینی؛ ۱۳۹۰، «مبانی روایی حمایت از حریم خصوصی»، فقه و حقوق ارتباطات، ش ۱.

جهاد دانشگاهی واحد تهران، علی نصیری اقدم، سید محمدرضا حسینی و اصلان قودجانی؛ ۱۳۹۲، مبانی اقتصادی و حقوقی سنجش اعتبار، تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.

دادگر، یدالله؛ ۱۳۸۹، مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.

زارعی، محمدحسین و سید علیرضا شکوهیان؛ ۱۳۹۵، نقش نهادهای خصوصی در تنظیم بازار؛ با رویکردی انتقادی به قوانین برنامه، در حقوق اقتصادی در سیاست‌گذاری عمومی، تهران: میزان.

سلیمان دهکردی، الهام و سید منصور میر سعیدی؛ ۱۳۹۶، «بازشناسی اطلاعات مالی در ترازوی حقوق اموال و مالکیت»، پژوهش حقوق خصوصی، ش ۶.

قائد، اسامه عبدالله؛ ۱۹۹۴، الحمایه الجنائیه للحیاه الخاصه، قاهره: دار النهضه العربیه.

قنواتی، جلیل و حسین جاور؛ ۱۳۹۹، «مطالعه تطبیقی میان کنش حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی کارگران و حق مالکیت کارفرما در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۷.

کوشکی، غلام‌حسن و رضا موسوی‌آزاده؛ ۱۳۹۷، «از شناسایی « منع تجسس» به‌مثابه «قاعده‌ای فقهی» تا انعکاس آثار آن در نظام دادرسی کیفری ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۱۹.

گه ردی، طارق صدیق رشید؛ ۲۰۱۱، حمایه الحریه الشخصیه فی القانون الجنائی، بیروت: منشورات الحلبی الحقوقیه.

نوری، محمدعلی و رضا نخجوانی؛ ۱۳۸۳، حقوق حمایت از داده‌ها، تهران: گنج دانش.

## References

Acquisti, Alessandro; 2010, "The Economics of Personal Data and the Economics of Privacy," Journal of Economic Literature, no 3.

Anton, Annie I, Julia Brande Earp, Qingfeng He, William Stufflebeam, Davide Bolchini, and Carlos Jensen; 2004, "Financial Privacy Policies and the Need for Standardization." IEEE Security & Privacy, no 2.

Ayres, Ian, and Matthew Funk; 2003, "Marketing Privacy." Yale J. on Reg, no 20.

Bellotti, Victoria; 1997, Design for Privacy in Multimedia Computing and Communications Environments, Cambridge: MIT Press.

Bennett, Colin J, and Charles D Raab; 2019, The Governance of Privacy, Policy Instruments in Global Perspective, London: routledge.

Bourdieu, Pierre; 1984, Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste, Cambridge:

Harvard university press.

Boyd, Virginia; 2006, "Financial Privacy in the United States and the European Union: A Path to Transatlantic Regulatory Harmonization." Berkeley J. Int'l L, no 3.

Brunk, Benjamin. 2002, "Understanding the Privacy Space." First Monday, no 10.

Budnitz, Mark E; 1997, "Privacy Protection for Consumer Transactions in Electronic Commerce: Why Self-Regulation Is Inadequate." SCL Rev, no 4.

Cate, Fred H; 1997, Privacy in the Information Age, Washington, D.C., U.S.: brookings institution press.

Cate, Fred H, Robert E Litan, Michael Staten, and Peter Wallison; 2003, Financial Privacy, Consumer Prosperity, and the Public Good: Maintaining the Balance, Washington, D.C., U.S.: brookings institution press.

Connor, GM; 2001, "Banking Aspects of the USA PATRIOT Act: In a Sense, Banks Have Been Deputized as Federal Law Enforcement Agencies." New Jersey Law Journal, no 10.

Gellman, Robert; 2003, Privacy, Consumers, and Costs-How the Lack of Privacy Costs Consumers and Why Business Studies of Privacy Costs Are Biased and Incomplete, Washington, DC: n.p.

Haufler, Virginia; 2013, A Public Role for the Private Sector: Industry Self-Regulation in a Global Economy, Washington, DC: Carnegie Endowment.

Jentzsch, N; 2007, Financial Privacy: An International Comparison of Credit Reporting Systems. Berlin Heidelberg: Springer.

Kirkbride, James, Chen Jianping, and Yang Zhongwei; 2009, "The Characteristics and Enlightenment of Legislation on Financial Privacy Protection in the USA." International Journal of Law and Management, no 4.

Nojeim, Gregory T; 2000, "Financial Privacy." NYL Sch. J. Hum. Rts, no 1.

OECD; 1997, "Implementing the OECD Privacy Guidelines in the Electronic Environment: Focus on the Internet."

Roderer, David W; 2000, "Tentative Steps toward Financial Privacy." NC Banking Inst, no 1.

Romanosky, Sasha, Rahul Telang, and Alessandro Acquisti; 2011, "Do Data Breach Disclosure Laws Reduce Identity Theft?" Journal of Policy Analysis and Management, no 2.

Sharman, Jason C; 2009, "Privacy as Roguery: Personal Financial Information in an Age of Transparency." Public Administration, no 4.

Solove, Daniel J, and Paul M Schwartz; 2015a, An Overview of Privacy Law, Chapter 2 of Privacy Law Fundamentals, Washington, D.C.: Gw Law.

———, 2015b, "An Overview of Privacy Law." Chapter 2 of Privacy Law Fundamentals, Washington, D.C.: Gw Law.

Swire, Peter. 1997, Markets, "Self-Regulation, and Government Enforcement in the Protection of Personal Information, in Privacy and Self-Regulation in the Information Age by the US Department of Commerce", SSRN Electronic Journal.

Swire, Peter P; 1999, "Financial Privacy and the Theory of High-Tech Government Surveillance." Wash. ULQ, no 2.

——, 2001, "Surprising Virtues of the New Financial Privacy Law", The. Minn. L. Rev, no 6.

Van Blarkom, GW, JJ Borking, and JGE Olk; 2003, Handbook of Privacy and Privacy-Enhancing Technologies. Consortium, Netherlands: Hague.

Van Dijk, Niels; 2010, "Property, Privacy and Personhood in a World of Ambient Intelligence." Ethics and Information Technology, no 1.

Warren, Samuel D, and Louis D Brandeis; 1890, "The Right to Privacy." Harvard Law Review, no 5.

Westin, Alan F; 1968, "Privacy and Freedom." Washington and Lee Law Review, no 1.

———, 2003, "Social and Political Dimensions of Privacy." Journal of Social Issues, no 2.

**In Persian**

Academic Jihad, Tehran Branch, Ali Nasiri Aghdam, Seyyed Mohammad Reza Hosseini, and Aslan Gudjani; 2013, Economic and legal bases of credit assessment, Tehran: Academic Jihad, Tehran branch.

Aghababaii, Hossein; 2017, Privacy in the Islamic Criminal Law. Tehran: Islamic Research Institute for Culture and Thought.

Ahvani, Hossamuddin Kamel; 1978, The right to privacy. Cairo: Dar al-Nahda al-Arabiya.

Ansari, Bagher; 2008, Freedom of information, Tehran: dadgostar.

————————; 2013, Privacy Law. Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (Samt).

Dadger, Yedaleh; 2009, Basic components and dimensions of law and economics, Tehran: Central Library and Document Center of Tehran University.

Dehkordi, Suleiman, Elham, and Seyed Mansour Mir Saidi; 2017, "Recognition of financial information in the balance of property and ownership rights." Private law research, no 6.

Ge Redi, Tariq Sediq Rashid; 2011, Protection of personal freedom in the criminal law, Beirut: AL-Halabi Legal Publications.

Jaafari, Ali, and Azim Abedini; 2011, "Narrative Foundations of Privacy Protection." Jurisprudence and communication law, no. 1

Kooshki, Gholam Hassan, and Reza Musavi Azadeh; 2018, " From recognizing the "prohibition of quest" as a juridical rule to reflection of its effects in the criminal justice system of Iran" Islamic Law Research Journal, no. 19.

Nouri, Mohammad Ali, and Reza Nakhjavani; 2004. Data protection law. Tehran: Ganj Danesh.

Qaid, Osama Abdullah; 1994, The protection of the criminal for privacy. Cairo: Dar al-Nahda al-Arabiya.

Qanvati, Jalil, and Hosein Javar; 2019, "A Comparative Study on the Interaction between the Privacy of the Workers' Electronic Communications and the Right to Ownership of the Employer in Laws of Iran and the US." Comparative Studies on Islamic and Western law, no7.

Zarei, Mohammad Hossein; & Shokuhyan, Seyed Alireza; 2016, The Role of Private Entities in Market Regulation; With a Critical Approach to the Planning law. In economic law in public policy, Tehran: Mizan.